



WOMEN  
LIFE  
FREEDOM

# کنشگری در ایران امروز پایه‌ها و روش‌ها

درس‌نامه





# کنشگری در ایران امروز پایه‌ها و روش‌ها

درس‌نامه



**توانا**  
TAVANA

آموزش‌سکده آنلاین  
برای جامعه مدنی ایران

e-collaborative

*for civic education*



[www.tavaana.org](http://www.tavaana.org)

پروژه

**e-collaborative**  
*for civic education*

[www.eciviced.org](http://www.eciviced.org)

---

**کنشگری در ایران امروز؛ پایه‌ها و روش‌ها**  
درس‌نامه

---

با همکاری مرکز بین‌المللی مبارزه بدون خشونت  
International Center on Nonviolent Conflict (ICNC)



---

ناشر: E-Collaborative for Civic Education

---

تابستان ۱۴۰۳

---

© E-Collaborative for Civic Education 2024

## e-collaborative for civic education

ECCE (E-Collaborative Civic Education) یک سازمان غیرانتفاعی در ایالات متحده آمریکا تحت 501c3 است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای آموزش و ارتقای سطح شهروندی و زندگی سیاسی دموکراتیک استفاده می‌کند.

ما به عنوان بنیان‌گذاران و مدیران این سازمان اشتیاق عمیق مشترکی داریم که شکل‌دهنده ایده‌های جوامع باز است. همچنین برای ما، شهروند، دانش شهروندی، مسئولیت و وظیفه شهروندی یک فرد در محافظت از جامعه سیاسی دموکراتیک پایه و اساس کار است؛ همان‌طور که حقوق عام بشر که هر شهروندی باید از آن‌ها برخوردار باشد، اساسی و بنیادی هستند. ECCE دموکراسی را تنها نظام سیاسی قادر به تأمین طیف کاملی از آزادی‌های شهروندی و سیاسی برای تک‌تک شهروندان و امنیت، برابری و عدالت می‌داند. ما دموکراسی را مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نهادها و فرایندها می‌دانیم که میسر صلح، توسعه، تحمل و مدارا، تکثرگرایی و جوامعی شایسته‌سالار است که به کرامت انسانی و دستاوردهای انسانی ارج می‌گذارند.

ما پروژه اصلی ECCE یعنی «آموزش‌شکده توانا: آموزش‌شکده مجازی برای جامعه مدنی ایران» را در سال ۲۰۱۰ تأسیس کردیم. آموزش‌شکده توانا در ارائه منابع و آموزش در دنیای مجازی در ایران، یک نهاد پیشرو است. توانا با ارائه دوره‌های آموزشی زنده در حین حفظ امنیت و با ناشناس ماندن دانشجویان، به یک جامعه آموزشی قابل اعتماد برای دانشجویان در سراسر کشور تبدیل شده است. این دروس در موضوعاتی متنوع مانند نهادهای دموکراتیک، امنیت دیجیتال، حقوق زنان، وب‌نوئسی، جدایی دین و دولت و توانایی‌های رهبری ارائه می‌شوند. آموزش‌شکده توانا آموزش زنده دروس و سمینارهای مجازی را با برنامه‌هایی مثل مطالعات موردی در جنبش‌های اجتماعی و گذارهای دموکراتیک، مصاحبه با کنشگران و روشنفکران، دستورالعمل‌های خودآموز، کتابخانه مطالب توصیفی، ابزارهای کمکی و راهنمایی برای آموزشگران ایرانی و حمایت مداوم و ارائه مشاوره آموزشی برای دانشجویان تکمیل کرده است.

تلاش ما برای توسعه توانایی‌های آموزش‌شکده توانا متوجه گردآوردن بهترین متفکران ایران و سدهای حذف‌شده است. به همین ترتیب، به دنبال انتشار و ارتقای آثار مکتوب روشنفکران ایرانی هستیم که ایده‌های آنان در جمهوری اسلامی ممنوع شده است.

یکی از نقاط تمرکز تلاش توانا، ترجمه متون کلاسیک دموکراسی و مقالات معاصر در این باره و نیز ترجمه آثار مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، حاکمیت قانون، روزنامه‌نگاری، کنشگری و فناوری اطلاعات و ارتباطات است. امید ما این است که این متون بتواند سهمی در غنای فردی هم‌وطنان ایرانی و بساختن نهادهای دموکراتیک و جامعه‌ای باز در ایران داشته باشد.

سپاسگزار بازتاب نظرات و پیشنهادهای شما!

## فهرست

|    |   |
|----|---|
| ۸  | پیش‌گفتار   |
| ۹  | درس یک: محیط ایرانی و مبانی کنشگری                          |
| ۱۳ | ۴ نقش شرکت‌کنندگان در جنبش                                  |
| ۱۴ | تنظیم مطالبه‌ها و شکایت‌ها                                  |
| ۱۵ | جذب شرکت‌کنندگان برای رشد جنبش                              |
| ۱۷ | درس دو: تدوین یک استراتژی                                   |
| ۱۷ | چرا یک استراتژی غیرمسلحانه بهتر از یک استراتژی مسلحانه است؟ |
| ۲۲ | تدوین چارچوب استراتژیک                                      |
| ۲۴ | درس سه: تجسم آینده دموکراتیک و چگونگی رسیدن به آن           |
| ۲۴ | تدوین خواسته‌ها   |
| ۲۵ | ساختن یک چشم‌انداز از آینده                                 |
| ۲۸ | درس چهار: مدیریت ریسک، سرکوب و دستگیری                      |
| ۲۸ | انتخاب اقداماتی برای کاهش ریسک                              |
| ۳۰ | انضباط بدون خشونت برای کاهش خطرات                           |
| ۳۱ | مقابله با آزار و شکنجه                                      |

- ۳۲ ۳ اقدامی که می‌تواند از سوی یک جنبش، بی‌رحمی یک رژیم در سرکوب را افشا کند
- ۳۸ درس پنج: انتخاب و توسعه تاکتیک‌ها و استفاده از آموزش فراگیر
- ۳۸ نوآوری تاکتیکی
- ۳۹ ۳ مولفه مختلف برای نوآوری تاکتیکی معنادار
- ۴۱ تدوین یک برنامه تاکتیکی
- ۴۲ آموزش همه‌جانبه
- ۴۴ درس شش: پیمایش در فضای دیجیتال
- ۴۴ پیمایش اطلاعات آنلاین
- ۴۷ پخش اطلاعات آنلاین
- ۵۰ حفاظت از اطلاعات به صورت آنلاین

## پیش‌گفتار

دوره آموزشی برخط «کنشگری در ایران امروز؛ پایه‌ها و روش‌ها»<sup>۱</sup> در سال ۱۴۰۲ خورشیدی با همکاری مرکز بین‌المللی مبارزه بدون خشونت (ICNC)<sup>۲</sup> برگزار شد. طی این دوره الفبای کنشگری در کشورهایی همچون ایران که تحت حکومت‌های دیکتاتور و تمامیت‌خواه قرار دارند بررسی شد و با نگاهی به ابعاد مختلف آن و نیز تجربه‌های مشابه در کشورهای دیگر، روش‌هایی برای کنشگری در این شرایط ارائه شد.

در این دوره مخاطبان ضمن آشنایی ابتدایی با سیر مبارزات و اعتراضات در سال‌های پس از انقلاب ۱۳۵۷ با مباحثی چون «تدوین یک استراتژی»، «تجسم آینده دموکراتیک و چگونگی رسیدن به آن»، «مدیریت ریسک، سرکوب و دستگیری»، «انتخاب و توسعه تاکتیک‌ها و استفاده از آموزش فراگیر» و «پیمایش در فضای دیجیتال» آشنا شدند.

اکنون این درس‌نامه، شامل متن آموزشی این دوره به زبان فارسی<sup>۳</sup>، در دسترس شما مخاطبان قرار می‌گیرد. به امید این‌که راهکارهای ارائه‌شده در این مجموعه، یاری‌رسان شما در پیشبرد اهداف کنشگری در ایران باشد.

۱. دوره آموزشی «کنشگری در ایران امروز؛ پایه‌ها و روش‌ها».

2. International Center on Nonviolent Conflict (ICNC).

۳. این درس‌نامه به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر می‌شود. نسخه انگلیسی در وبسایت آموزشکده توانا در دسترس است.



## درس یک: محیط ایرانی و مبانی کنشگری

در این درس نگاهی کلی می‌اندازیم به تاریخ اعتراضات در ایران و مبانی کنشگری را بررسی می‌کنیم. در سال ۱۴۰۱ در ایران، شاهد موج دیگری از اعتراضات بودیم. این اولین بار نیست که چنین اعتراضاتی در دوران جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتد و تا زمانی که این رژیم برقرار است، آخرین بار هم نخواهد بود. اما نقطه مشترک این اعتراضات مختلف در این سال‌ها چیست؟ و چه چیزی آن‌ها را متفاوت می‌کند؟ علاوه بر این، چگونه می‌شود آن‌ها را با اعتراضات در کشورهای دیگر مقایسه کرد؟

از سال ۱۳۵۷ ایرانی‌ها بارها علیه رژیم قیام کرده‌اند و هر سال به تعداد این اعتراضات و خیزش‌ها افزوده می‌شود. سال ۱۳۷۸ اعتراضات دانشجویی با توقیف روزنامه «سلام» توسط دادگاه ویژه روحانیت آغاز شد. این گسترده‌ترین تظاهرات ضد رژیم از زمان استقرار این حکومت، یعنی ۲۰ سال قبل از آن، بود. سید محمد خاتمی به عنوان یک اصلاح‌طلب در قدرت بود.

ده سال بعد در سال ۱۳۸۸، «جنبش سبز» در اعتراض به انتخاب دوباره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت، به پا خاست. اعتراضات در این زمان حتی از اعتراضات دانشجویی سال ۱۳۷۸ هم فراتر رفت. میرحسین موسوی و مهدی کروبی، از کاندیداهای ریاست جمهوری این دوره، که از طیف به اصطلاح اصلاح‌طلب بودند، در آن جنبش حضور داشتند. در جریان اعتراضات به انتخابات ریاست جمهوری سال

۱۳۸۸، ندا آقاسلطان، دانشجوی فلسفه، به نماد جنبش تبدیل شد. او در تظاهرات تهران، توسط یک شبه‌نظامی به ضرب گلوله کشته شد. این حادثه در ویدئویی به تصویر کشیده شد که به طور گسترده پخش شد و خشم و همبستگی معترضان را برانگیخت. نامزدهای ریاست جمهوری خواستار برگزاری مراسم بزرگداشت برای او شدند که آن هم منجر به اعتراضات و درگیری‌های بیش‌تر شد. هزاران نفر در مراسم ندا آقا سلطان در تهران جمع شدند. مرگ ندا و ویدیوی لحظات پایانی زندگی او تاثیری ماندگار بر جنبش اعتراضی ایران گذاشت. او نماد مبارزه برای دموکراسی و علیه ظلم شد.

در اواسط پاییز ۱۳۹۳ ستار بهشتی، وبلاگ‌نویس ایرانی، پس از انتشار مقاله‌ای در انتقاد از علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، دستگیر شد. او در نامه‌ای رسمی از زندان خبر داده بود که شکنجه شده است و اگر اتفاقی برایش بیفتد، مسئولیت آن به گردن پلیس است. ستار سه روز بعد جان باخت. وقتی جسد او را به خانواده‌اش تحویل دادند آثار شکنجه بر بدنش دیده می‌شد. او هم نمادی برای جنبش علیه ظلم رژیم شد.

دی ماه ۱۳۹۶، اعتراضات سراسری کاملاً مردمی و بی‌سابقه‌ای ابتدا علیه وضعیت فاجعه‌بار اقتصادی شکل گرفت که به سرعت به اعتراضاتی علیه تمام حکومت تبدیل شد. این اعتراضات در حدود ۱۶۰ شهر ایران شکل گرفت.

در مرداد ماه ۱۳۹۷ نیز اعتراضات سراسری دیگری شکل گرفت که البته به شدت اعتراضات سراسری قبلی نبود.

آبان سال ۱۳۹۸ پس از بالا رفتن قیمت بنزین در آبان‌ماه، اعتراضات سراسری و مردمی دیگری اتفاق افتاد که باز هم به سرعت به اعتراضاتی سیاسی علیه ساختار حکومت تبدیل شد. شدت این اعتراضات بی‌سابقه بود و پاسخ حکومت به آن، سرکوبی وحشیانه بود. به گزارش خبرگزاری رویترز به نقل از چند مقام جمهوری اسلامی، دست کم ۱۵۰۰ شهروند، طی چند روز اعتراضات توسط حکومت کشته شدند. گروه‌ها و سازمان‌های حقوق بشری هم اسامی بیش از ۳۰۰ شهروندی که به دست نیروهای حکومت کشته شدند را ثبت کردند. از این اعتراضات سراسری به «آبان خونین» یاد می‌شود.

اعتراضات دی ۹۶، مرداد ۹۷ و آبان ۹۸، کاملاً خودجوش و مردمی بود و هیچ یک از گروه‌ها و نیروهای حتی به اصطلاح اصلاح‌طلب هم در آن نقشی نداشتند. همچنین این اعتراضات در حالی رخ داد که حسن روحانی، که خودش را اعتدال‌گرا معرفی می‌کرد

و نزدیک به نیروهای اصلاح‌طلب بود، رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی بود و خودش و وزرایش مواضع تندی علیه شهروندان معترض گرفتند.

در شهریور ۱۳۹۹، نوید افکاری، کشتی‌گیری که در جریان اعتراضات مرداد ۱۳۹۷ بازداشت و به محاربه و قتل متهم شده بود، اعدام شد. جمهوری اسلامی مدعی شده بود که نوید و برادرانش، علاوه بر شرکت در اعتراضات، یک کارمند حراست اداره «آبفا شیراز» را به قتل رساندند. نوید در طول دادگاه بر بی‌گناهی خود تاکید کرده و گفته بود که اعترافات اولیه او، تحت شکنجه گرفته شده بود. او به دو بار اعدام محکوم شد. اما علی‌رغم اعتراضات جهانی به صدور این حکم، به سرعت اعدام شد و به یکی از نمادهای جنبش آزادی‌خواهی ایرانیان تبدیل شد.

اما پس از اعتراضات جسته و گریخته از آبان ۹۸ به بعد، در شهریور ۱۴۰۱ در پی کشته‌شدن مهسا (ژینا) امینی ۲۲ساله در بازداشت نیروهای گشت ارشاد نیروی انتظامی، موج جدیدی از اعتراضات به راه افتاد. این بار اعتراضات متنوع‌تر و مردمی‌تر و گسترده‌تر از گذشته پیش رفت. در این موج شکل گرفته، خواست برجسته شهروندان رسیدن به حقوق اولیه خود بود. این خیزش بی‌سابقه به جنبش مهسا یا جنبش «زن، زندگی، آزادی»، که شعار محوری آن بود، معروف شد.

به لحاظ تاریخی این گرایش به سمت مشارکت غیرمتمرکز و گسترده‌تر، نشانه خوبی است؛ چیزی که مشخصه بسیاری از جنبش‌های شکل گرفته در اروپای شرقی و خاورمیانه بوده است؛ اعتراضاتی که محور آن بن‌بست بین احزاب حاکم و مخالفان او نبود بلکه بن‌بستی بود بین حکومت و مردم.

گسترده کردن اعتراضات بزرگ دشوارتر است. به همان میزان، حفظ آن‌ها هم امر دشواری است. تدوین نارضایتی‌ها و خواسته‌ها آسان‌تر از حرکت به سمت تدوین سیاست و ایجاد چشم‌اندازی جایگزین برای آینده است. با این حال، این مراحل برای تبدیل یک اعتراض به جنبش مهم هستند و ایجاد یک جنبش می‌تواند جامعه را برای برقراری «حقوق»، «آزادی» و «عدالت» متحول کند.

در طول ۴۵ سال گذشته فضای بین‌المللی تغییر کرده است. این اعتراضات در دنیای متفاوتی اتفاق می‌افتد که در آن چین و روسیه بیش از حد بلندپروازی کرده‌اند و اکنون احساس می‌کنند که برای عقب‌کشیدن به آن‌ها فشار وارد می‌شود. پایه‌های نظم بین‌المللی

مبتنی بر حقوق، دیگر آن قدر شکننده نیست و می‌شود به آن امیدوار بود. جنبش سراسری ۱۴۰۱ در ایران، با داشتن پیامی صریح و موجز که در شعار «زن، زندگی، آزادی» خلاصه شده است، بسیار تاثیرگذار بود. مردم در انتشار پیام خود موثر بودند تا جایی که توانستند نظرات جهانی را به این جنبش جلب کنند. حقوق زنان بستری است که مردم برای بسیج جامعه و نیروی محرکه برای جنبش از آن استفاده می‌کنند. پیام «زن، زندگی، آزادی» توانست در سراسر خطوط قومی و مذهبی گسترده شود. تقسیمات قدیمی بی‌ربط هستند و حالا دیگر جامعه بر جنبش احساس مالکیت می‌کند.

جنبش انقلابی ۱۴۰۱ نسبت به رویدادهای پیشین توانست از فناوری برای کارایی بیش‌تر استفاده کند. بخشی از این موضوع به این دلیل است که جوانان بیش‌تری درگیر این جنبش شدند و آن‌ها دانش فنی بیش‌تری دارند. در این مسیر، ما بیش‌تر جوانان ۱۶ تا ۲۰ساله را می‌بینیم؛ آن‌ها رهبران این جنبش هستند، نه فقط پیروان آن. استفاده آن‌ها از اینترنت باعث شد که جنبش گسترده‌تر شده و بهتر درک شود. همزمان با اعتراضات خیابانی، این جنبش در دنیای دیجیتال هم گسترش پیدا کرد.

جامعه مدنی روی نتایج سرمایه‌گذاری می‌کند. جنبش‌های ایرانی پیش از این، هرگز از خارج از ایران این همه همدلی به خود ندیده بودند. بیش‌تر مردم در سراسر جهان می‌خواهند شاهد موفقیت این جنبش باشند. دیاسپورای<sup>۱</sup> ایرانی در جاهایی مثل کانادا، فرانسه، سوئد، انگلستان و ایالات متحده، اقدامات بسیاری را برای همبستگی هدایت کرده است. این یک رویکرد بسیار مدرن برای سازمان‌دهی است.

در این جنبش انقلابی، استفاده از تاکتیک‌ها در کاهش خطرات موثرتر بودند. اینکه هیچ مکان مرکزی و واحدی وجود ندارد که مردم در آن تظاهرات کنند، سرکوب را برای حکومت دشوارتر می‌کند. معترضان از یک رویکرد پراکنده استفاده می‌کنند که باعث مقاومت بیش‌تر جنبش در برابر سرکوب می‌شود.

رژیم در هشت ماه اول اعتراضات جان دست‌کم ۵۰۰ شهروند را گرفت. در گذشته با این سطح از بسیج ممکن بود تعداد کشته‌ها طی این مدت بسیار بالاتر باشد. از آن‌جا که تعداد زیادی از شهروندان عادی در این جنبش مشارکت داشتند، افراد بیش‌تری از این

حضور گسترده شهروندان، برای این که خودشان هم مشارکت کنند الهام می‌گیرند یا حتی حس می‌کنند که دیگر آن‌ها هم باید مشارکت کنند. حتی بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای در فعالیت، مردم در حال مشارکت هستند، بدون اینکه خودشان را «سیاسی» معرفی کنند. حرکت بزرگ است. تهران بزرگ است و ۱۳ میلیون نفر جمعیت دارد. رژیم کوچک است و آسیب‌پذیر. ایرانیان بیش از هر زمان دیگری در موقعیتی قرار دارند که طی یک اعتراضات گسترده، جامعه خودشان را تغییر بدهند.

#### ۴ نقش شرکت‌کنندگان در جنبش

اما افرادی که جنبش را ایجاد می‌کنند چه کسانی هستند و چه نقشی دارند؟ همه ما همواره افرادی را دیده‌ایم که برمی‌خیزند و بی‌عدالتی را افشا می‌کنند. این‌ها شورشی هستند. بیل مویر، پژوهشگر جنبش‌های اجتماعی، استدلال می‌کند که این تنها یکی از چهار نقش جنبش است، بلکه قابل مشاهده‌ترین آن‌ها است.

شورشیان، سیستم‌ها و هنجارهای موجود را از طریق ابزارهای غیرمتعارفی مثل «نافرمانی مدنی»، «اعتراضات» و «اقدام مستقیم» به چالش می‌کشند. آن‌ها به دنبال برهم‌زدن وضعیت موجود و جلب توجه‌ها به هدف خودشان هستند. اما همه افراد در یک جنبش، شورشی نیستند. نقش قابل توجه در یک جنبش، نقش یک شهروند است؛ افرادی که این نقش را بازی می‌کنند به جنبش مشروعیت می‌بخشند. شهروندان ممکن است فعالانه در کنش‌های سیاسی شرکت نکنند اما از طریق اعمال و تصمیمات روزمره خود از تغییرات اجتماعی حمایت کنند. آن‌ها از مسائل اجتماعی آگاهند و به دنبال زندگی در راستای ارزش‌های خود هستند.

هم شورشی و هم شهروند، نقش‌های عمومی مهمی هستند. اما جنبش‌ها رشد می‌کنند؛ برای این که افراد مختلف را گرد هم می‌آورند و به آن‌ها کمک می‌کنند که جای خودشان را در جنبش پیدا کنند تا بتوانند به کار اصلی بپردازند.

این نقش سازمان‌دهی را «عوامل تغییر» ایفا می‌کنند. آن‌ها برای تغییر ارزش‌ها و مفروضات اساسی جامعه، اغلب از طریق آموزش، سازمان‌دهی جامعه و تغییرات فرهنگی تلاش می‌کنند. هدف آن‌ها تغییر نگرش‌ها و باورهای عمومی است و پایه و اساس تغییرات اجتماعی درازمدت را پی‌ریزی می‌کنند.

در نهایت، نقش مهم دیگر جنبش، نقش یک اصلاح طلب است؛ البته اصلاح طلبی به معنای واقعی و برای رسیدن به تغییرات مشخص، نه صرفاً برای بزک کردن یک حکومت تمامیت خواه. کسی که عهده دار این نقش است، کسی است که نقش پل ارتباطی بین جنبش و نهادهای طرف مقابل را ایفا می کند. آن ها وارد مذاکره می شوند و در نهایت هدف جنبش را به پیشنهادهای سیاسی ملموس تبدیل می کنند.

همانطور که می بینید، این سه نقش دیگر هم به اندازه نقش شورشیان مهم هستند، اگرچه شورشیان در ابتدای جنبش بیش تر مشهودند؛ یعنی زمانی که نارضایتی ها بیان می شود، مطالبات فرموله می شوند و مردم حول ایده ها جمع می شوند.

### تنظیم مطالبه ها و شکایات ها

مشکلات به طور خودکار منجر به ظهور جنبش نمی شوند. مردم ممکن است از بی عدالتی های شدید رنج ببرند و همچنان احساس کنند که هیچ کاری نمی توانند در مورد آن ها انجام بدهند و غیرفعال بمانند. به همین دلیل است که یکی از اولین مراحل شکل گیری جنبش، تنظیم شکایات است.

این جاست که مشکلات اجتماعی، اقتصادی و غیره به عنوان مشکلات سیاسی فرمول بندی می شوند؛ فقر به عنوان یک وضعیت طبیعی تلقی نمی شود بلکه نتیجه بی عدالتی اقتصادی است. همانطور که جنگل زدایی یک فرایند مداوم نیست، بلکه نتیجه قطع درختان توسط مردم برای کسب سود است. در ایران در سال ۱۴۰۱ این «حجاب اجباری» بود که نه به عنوان بخشی از بافت و فرهنگ اجتماعی - یا بنیان انقلاب - بلکه توسط حکومت مذهبی، به عنوان یک امر تحمیلی تلقی می شد. وقتی مهسا امینی کشته شد، مردم نه تنها در تهران، بلکه در سراسر کشور با ریختن به خیابان ها به این واقعه، واکنش نشان دادند.

این حرکت کاملاً شناخته شده و به خوبی مستند است؛ گلابه ها منجر به اعتراض می شوند و در خلال این اعتراضات، مطالبات صورت می گیرند. اما آنچه بعد اتفاق می افتد، همیشه یکسان نیست.

در برخی موارد، اعتراضات خاموش می شوند. رژیم معمولاً در آن موارد واکنشی نشان نمی دهد و منتظر می ماند تا مردم از آن جنبش عبور کنند، اما در ایران این طور نبود. اگر

اعتراضات به خودی خود، خاموش نشوند از سرکوب استفاده می‌شود. سرکوب در مقیاس وسیع برای ترساندن مردم از خیابان است و سرکوب هدفمند، با هدف سرکوب افرادی است که به عنوان رهبران جنبش شناخته می‌شوند یا افرادی که باید به عنوان درسی برای بقیه، مجازات شوند. ما در درس چهارم سرکوب را با دقت بیشتری بررسی خواهیم کرد، اما الان توجه به این نکته مهم است که به دلیل سرکوب یا عوامل دیگر یا صرفاً با گذشت زمان، اعتراضات تمایل به خاموش شدن دارند. حداقل، این همان چیزی است که رژیم به آن امید دارد.

اما در مواردی، اعتراضات به تحرکات تبدیل می‌شوند و بسیج مردمی ادامه پیدا می‌کند و نظام را در حالت دفاعی نگه می‌دارد و فشار را به مرور زمان افزایش می‌دهد، سرکوب را پس می‌زند و به هدف نهایی می‌رسد.

### جذب شرکت‌کنندگان برای رشد جنبش

برای این‌که این اتفاق بیفتد، جنبش‌ها باید از مشارکت فعال و پایدار شهروندان، یک موتور محرک بسازند و مشارکت آن‌ها در طول زمان را توسعه دهند. جنبش‌ها با استفاده از تکنیک‌های مختلف به این مهم دست یافته‌اند اما جنبش آتپور (Otpor) در صربستان به‌صراحت بیان کرد که نقش اقدام خیابانی این بود که افراد بیشتری را جذب کند که بعد از آن برای سازمان‌دهی اقدامات مشابه و ادامه چرخه جذب و آموزش، تعلیم ببینند.

این به عنوان مدل ART شناخته می‌شود که مخفف Act-Recruit-Train یا کنش-جذب-آموزش است. به جای جذب افراد برای انجام اقدامات، این مدل با اقدامی شروع می‌شود که برای جذب افراد بیشتر استفاده می‌شود. در زمان برنامه‌ریزی برای تظاهرات خیابانی این سوال پیش می‌آید که چطور از این تاکتیک برای افزایش تعداد افراد استفاده کنیم؟

اگر هدف این است، پس اقدامات خیابانی در جایی که مردم هستند سازمان‌دهی می‌شوند. مثلاً به جای تظاهرات در مقابل بیت رهبر جمهوری اسلامی یا کاخ ریاست جمهوری، جاهایی که کسی جز رهبر و رئیس جمهور در آن زندگی نمی‌کند، تظاهرات باید در یک خیابان بازاری شلوغ یا محله‌ای شکل بگیرد که می‌خواهیم در آن تعداد افراد خودمان را افزایش دهیم.

مدل ART همچنین به این معنی است که باید حامیان جدیدی در جنبش جذب شوند. در طول حرکت خیابانی باید به تماشاگران نزدیک شد و با آن‌ها ارتباط برقرار کرد. پیشنهاد عضویت و پیوستن باید واضح باشد. در نهایت، مدل ART همچنین بر آموزش پس از پیوستن تاکید می‌کند؛ برای روان‌تر کردن حضور فعالان جدید جنبش و تسریع در پرورش آن‌ها.

این سه مرحله «اقدام»، «جذب» و «آموزش» موتور رشد جنبش را ایجاد می‌کنند. Otpor این را به‌صراحت بیان کرده است اما سایر جنبش‌ها کاری مشابه انجام داده‌اند و در نهایت در طول زمان رشد کردند تا غیرقابل توقف شوند.

زمانی که مسیر رشد جنبش شکل گرفت و مشارکت فعال شهروندان پایدار شد، پویایی مبارزه به این روش صورت می‌گیرد: رژیم دوباره از سرکوب استفاده می‌کند تا جنبش را متوقف کند اما از آنجایی که اقدامات جنبش با هدف افزایش تعداد معترضان است، پاسخ آن به سرکوب نیز بسیج بیشتر است. اینجاست که سرکوب نتیجه معکوس می‌دهد زیرا جنبش از خشم برای افزایش حمایت استفاده می‌کند. این چیزی است که در درس چهارم دوره، بیشتر درباره آن صحبت خواهیم کرد.

به هر حال، از آنجایی که جنبش علی‌رغم سرکوب همچنان به رشد خود ادامه می‌دهد و به نظر می‌رسد که در مواجهه با سرکوب حتی قوی‌تر می‌شود، پویایی دیگری آشکارتر می‌شود؛ به این ترتیب که فرار از سوی طرفداران رژیم بیشتر می‌شود و فشار بیش‌تری را بر کسانی وارد می‌کند که هنوز به رژیم وفادار هستند. اما برای رسیدن به همه این‌ها ابتدا باید یک استراتژی تدوین کنیم.

در پایان این را هم بگوییم که با توجه به تفاوت‌های حکومت‌ها، مدل‌های مبارزاتی هم دقیقاً به یک شکل جواب نمی‌دهند و ممکن است نشود همه جا آن‌ها را دقیقاً پیاده کرد اما می‌توانند الهام‌بخش مدل‌ها و روش‌های جدیدی باشند.



## درس دو: تدوین یک استراتژی

### چرا یک استراتژی غیرمسلحانه بهتر از یک استراتژی مسلحانه است؟

زمانی که مردم با ظلم و بی‌عدالتی مواجه می‌شوند، چهار پاسخ اساسی وجود دارد:

۱. می‌توانید تصمیم بگیرید که هیچ اقدامی نکنید و در شرایط سخت زندگی کنید.
۲. می‌توانید از کانال‌های نهادین برای مذاکره، رأی‌دادن یا وضع شرایط جدید استفاده کنید و سعی کنید از طریق ابزارهای سیاسی رسمی بر تغییر تاثیر بگذارید.
۳. می‌توانید در مبارزه مسلحانه علیه رژیم شرکت کنید.
۴. می‌توانید در یک مبارزه غیرمسلحانه علیه رژیم شرکت کنید؛ چیزی که به طور متناوب «مقاومت مدنی» یا «قدرت مردمی» نامیده می‌شود.

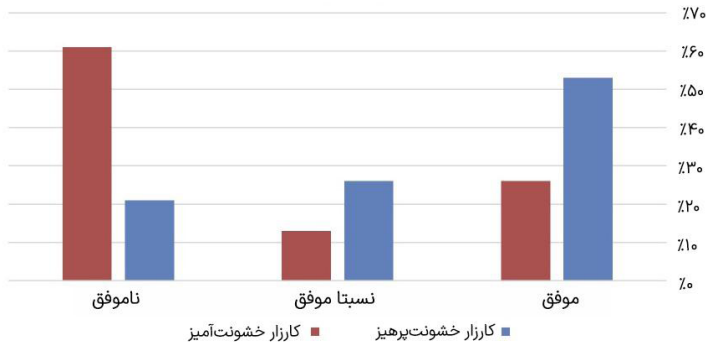
اگر نظام سیاسی شما از کانال‌های رسمی برای ایجاد تغییرات معنی‌دار در برابر ظلم و بی‌عدالتی محروم است، شما با انتخاب بین مبارزه مسلحانه و غیرمسلح روبرو هستید. مطالعات متعددی درباره هر دو نوع مبارزه نشان داده که مبارزات غیرمسلحانه در دستیابی به پیروزی بسیار موثرتر است؛ با مزایای اضافی کوتاه‌مدت و بلندمدت برای جامعه. این مطالعات صدها مبارزه را از سراسر جهان با در نظر گرفتن زمینه‌های سیاسی دشوار و اهداف مختلف مبارزات، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. در همه این انواع مختلف مبارزات، واضح است که مبارزات مقاومت مدنی یک انتخاب استراتژیک قابل اعتمادتر است. بیایید

در نظر بگیریم که بعضی از این مطالعات چه چیزی را نشان می‌دهند. پایگاه داده مرکز کمپین‌ها و نتایج مبارزات غیرخسونت‌آمیز و خسونت‌آمیز (NAV-CO)، با گردآوری ۲۳۲ کمپین مقاومت مسلحانه و غیرمسلحانه از سراسر جهان در میانه سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۶ ایجاد شد. این کمپین‌ها «اکسیمالیست» نامیده می‌شوند. به این دلیل که برای واجد شرایط بودن برای این پایگاه داده، باید حداقل یکی از این سه هدف اصلی سیاسی را داشته باشند:

- ۱- پایان‌دادن یا تغییر یک رژیم
- ۲- پایان‌دادن به یک اشغال
- ۳- سوم جداسدن از یک دولت.

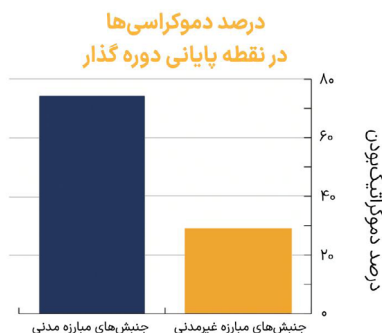
یافته اولیه این مطالعه این بود که کمپین‌های مقاومت مدنی در ۵۳ درصد موارد موفق بودند، در حالی که مبارزات مسلحانه، تنها در ۲۶ درصد موارد موفق بودند.

میزان موفقیت جنبش‌های خسونت‌پرهیز و جنبش‌های خسونت‌آمیز  
۱۹۰۰ - ۲۰۰۶



کمپین‌های مقاومت مدنی بیش از دو برابر بیش‌تر از کمپین‌های مقاومت مسلحانه به اهداف حداکثری خود دست یافتند. زمانی که این‌ها در سطح منطقه‌ای تجزیه و تحلیل می‌شوند، اگرچه اعداد متفاوت است اما نتیجه این است که کمپین‌های مقاومت مدنی در هر منطقه جغرافیایی موفق‌تر بوده‌اند.

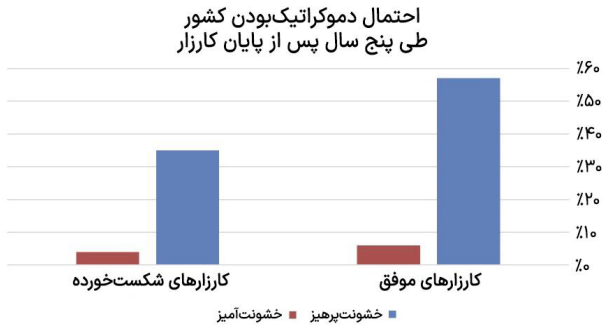
این مطالعه همچنین مزایای بلندمدت انتخاب استراتژی مقاومت مدنی را هم نشان داده است. پنج سال پس از یک کمپین موفق مقاومت مدنی، ۵۷ درصد احتمال داشت که کشور یک دموکراسی باشد، در حالی که پس از یک کارزار مقاومت مسلحانه موفق، تنها ۶ درصد این احتمال وجود داشت. حتی در صورت ناموفق بودن، کشورهایی که کمپین‌های مقاومت مدنی داشتند در پنج سال اول ۳۵ درصد شانس یک نتیجه دموکراتیک داشتند، در حالی که کشورهایی که مبارزات مقاومت مسلحانه داشتند کم‌تر از ۴ درصد شانس برای نتیجه دموکراتیک داشتند.



یک مطالعه دیگر، اثربخشی گذار از رژیم‌های غیر دموکراتیک به دموکراتیک را ارزیابی کرده است. جاناتان پینکنی (Jonathan Pinckney)، محقق، با استفاده از پروژه داده‌های گذار از طریق مقاومت مدنی، که داده‌هایی را درباره گذارهای سیاسی جمع‌آوری می‌کرد که توسط کمپین‌های مقاومت مدنی در بسترهای غیردموکراتیک آغاز شده بودند، توانست گذارهای رهبری مقاومت مدنی را با گذارهای سیاسی که از روش‌های دیگر آغاز شده بودند، مقایسه کند. این مطالعه نشان داده است که حتی در شرایط بسیار غیردموکراتیک، سه مورد از هر چهار تلاش موفق دموکراسی‌سازی، بر اساس گذار مقاومت مدنی بوده است؛ در حالی که سایر روش‌های گذار، کمتر از یک مورد از هر چهار گذار را شامل می‌شدند.

می‌بینیم که شرایط مساعد، مثل کشورهایی که فقط اندکی غیردموکراتیک هستند،

برای روند دموکراسی‌سازی ضروری نیست و این روند می‌تواند به طور موثر حتی در زمینه‌های بسیار غیر دموکراتیک - مانند ایران امروز - اتفاق بیفتد.

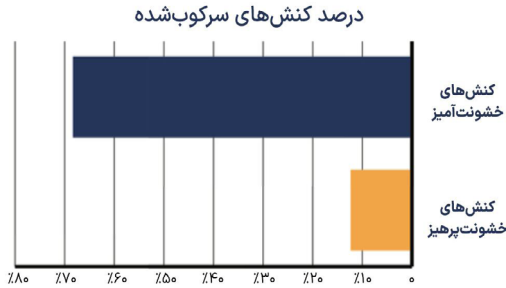


مطالعه سوم به مزایای بلندمدت انتخاب استراتژی مقاومت مدنی در برابر بی‌عدالتی و ظلم می‌پردازد. هنگام مقایسه پیامدهای کمپین‌های مختلف، ۴۳ درصد احتمال وجود دارد که کشوری که یک کارزار مسلحانه دارد، در دهه اول، جنگ داخلی را تجربه کند. در مقایسه، کمپین‌های مقاومت مدنی این احتمال را به ۲۸ درصد کاهش می‌دهند.

| کارزار خشونت‌پرهیز | کارزار خشونت‌آمیز |   |
|--------------------|-------------------|---|
| ۲۸٪                | ۴۳٪               | احتمال بروز جنگ داخلی طی ده سال پس از پایان مبارزات |

در نهایت هنگام در نظر گرفتن مزایای انتخاب کمپین مقاومت مدنی ما باید ایمنی شهروندان کنشگر را در حین انجام اقدامات مبارزاتی در نظر بگیریم. کمپین‌های مقاومت مدنی احتمال سرکوب خشونت‌آمیز رژیم را کاهش می‌دهد.

اقدامات کمپین‌های مقاومت مسلحانه در ۶۸ درصد موارد، با خشونت سرکوب می‌شوند. در همین حال، اقدامات کمپین‌های مقاومت مدنی تنها در ۱۳ درصد موارد سرکوب می‌شوند.



علاوه بر این، شانس کشتار دسته‌جمعی - یعنی بیش از هزار نفر در یک رویداد - علیه شرکت‌کنندگان در کمپین‌های مقاومت مسلحانه ۶۸ درصد است، در حالی که کمپین‌های مقاومت مدنی تنها در ۲۳ درصد موارد آن را تجربه کرده‌اند.

### کشتار جمعی در کارزارهای خوشونت‌آمیز و خوشونت‌پرهیز

ب: کارزارهای خوشونت‌پرهیز

الف: کارزارهای خوشونت‌آمیز



■ درصد کارزارهایی که کشتار جمعی را تجربه کردند  
 ■ درصد کارزارهایی که کشتار جمعی را تجربه نکردند

خطرات همچنان پابرجا هستند اما با انتخاب نافرمانی مدنی تا حد زیادی این خطرات کاهش می‌یابند.

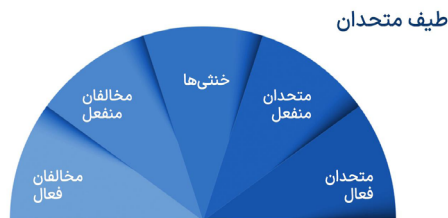
زمانی که استراتژی مبارزه را در نظر می‌گیریم، این مهم است که به اثرات غیرمستقیم و پیامدهای بلندمدت رویکرد خود فکر کنیم. ما همچنین باید احتمال موفقیت رویکرد خودمان را در نظر بگیریم. وقتی استراتژی خودتان را در نظر می‌گیرید، این مطالعات چه ایده‌هایی به شما می‌دهند؟

## تدوین چارچوب استراتژیک

یکی از ابزارهایی که هنگام توسعه استراتژی مقاومت مدنی بسیار مهم است، طیف متحدان (Spectrum of Allies) نام دارد. این ابزار طراحی شده که به شما کمک کند تا همه ذی‌نفعان جامعه را در نظر بگیرید و این‌که چگونه پیام‌ها و اقدامات شما باید طراحی شود تا آن‌ها را به اهداف خود نزدیک‌تر کند.

برای استفاده از ابزار طیف متحدان، اولین قدم نوشتن فهرستی از ذی‌نفعان مختلف در جامعه است. این می‌تواند شامل افراد باشد؛ بر اساس گروه سنی، جنسیت، مشاغل، منطقه جغرافیایی، وابستگی‌های حزبی و سیاسی، وضعیت دانشجویی، عضویت در جامعه مدنی و بسیاری از دسته‌های دیگر. مدتی را صرف نوشتن فهرستی کنید که تصویری وسیع، متنوع و فراگیر از همه ذی‌نفعان در ایران ترسیم کند.

گام دوم، نگاه به طیف متحدان است. یک نیم‌دایره با پنج بخش را در نظر بگیرید. در سمت راست، «متحدان فعال» را داریم؛ افراد و گروه‌هایی که فعالانه از تلاش‌های جنبش شما حمایت می‌کنند. گروه بعدی سمت راست، «متحدان منفعل» هستند. این‌ها کسانی هستند که با تلاش‌های شما موافق‌اند اما فعالانه از کاری که انجام می‌دهید حمایت نمی‌کنند. بخش بعدی در وسط طیف «خنثی‌ها» هستند. این‌ها کسانی هستند که نه از کار شما حمایت می‌کنند و نه با آن مخالفند. سپس دسته «مخالفان منفعل» وجود دارد. این گروه متشکل از افرادی است که با تلاش‌ها و اهداف شما برای جامعه مخالف‌اند اما فعالانه علیه شما کار نمی‌کنند. بخش آخر، در سمت چپ، «مخالفان فعال» هستند. این گروه متشکل از افرادی است که به طور فعال بر خلاف تلاش شما کار می‌کنند.



مرحله سوم، قراردادن ذی‌نفعان مختلف در نمودار طیف است. دانش‌آموزان را کجا قرار

می‌دهید؟ درباره متخصصانی مثل پزشکان و وکلا چطور؟ بازنشستگان را کجا قرار می‌دهید؟ آن‌ها را روی نمودار ترسیم کنید.

در این مرحله باید در نظر داشت که چطور می‌شود با استفاده از این ابزار، فضای سیاسی را تغییر داد. هدف شما باید انتقال یک گروه از بخش چپ به بخش راست باشد. هدف شما این نیست که مخالفان فعال را به متحدان فعال تبدیل کنید. در عوض، تنها چیزی که نیاز دارید این است که آن‌ها را منفعل کنید؛ به طوری که از کار علیه شما دست بردارند، حتی اگر دیدگاه‌شان تغییر نکند.

به همین ترتیب، باید مخالفان منفعل را هم خنثی کنید. برای افراد خنثی هم باید فکر کنید که چگونه می‌توانید آن‌ها را با خودتان متحد کنید، حتی اگر غیرفعال باشند. در نهایت باید فکر کنید که چطور متحدان منفعل را قانع کنید که فعالانه از تلاش‌های شما حمایت کنند.

هنگام طراحی کمپین، از این تحلیل طیف متحدان سود خواهید برد. در نظر داشته باشید که اگر قرار است اقدامی انجام دهید، آن اقدام چه پیامی را به همراه خواهد داشت و مخاطب آن پیام چه مخاطبی خواهد بود؟ آیا این کار برای منفعل کردن افرادی است که فعالانه علیه شما کار می‌کنند؟ این کار برای فعال کردن افراد منفعل که با شما موافق هستند، خواهد بود؟ وقت گذاشتن برای در نظر گرفتن ذی‌نفعان در جامعه و نحوه تغییر هر گروه به سمت راست، به کمپین‌های شما امکان می‌دهد تا به طور موثری برای تغییرات معنادار تنظیم شوند.

## درس سه: تجسم آینده دموکراتیک و چگونگی رسیدن به آن

### تدوین خواسته‌ها

بی‌عدالتی‌ها و نقض حقوق بشر منجر به واکنش، اعتراض و خشم می‌شود. در این مرحله است که شکایات تنظیم می‌شود. شناخت از بی‌عدالتی در حال گسترش است و جمعیت، متأثر از آن برای مقاومت در برابر آن فعال می‌شوند. معمولا یک رویداد ماشه‌مانند است که بی‌عدالتی را آشکار می‌کند. در جنبش انقلابی ۱۴۰۱ در ایران، این حادثه مرگ مهسا امینی بود که بی‌عدالتی در حق زنان را به وضوح نشان داد. ما در درس یکم، درباره این موضوع بحث کردیم، اما حالا می‌خواهیم روند فعال‌شدن سیاسی جامعه‌ای را که با بی‌عدالتی مواجه است را روشن کنیم.

در سطح سازمانی، این فعال‌سازی حول شبکه‌های سازمان‌دهنده موجود اتفاق می‌افتد اما شامل نسل جدیدی از فعالان می‌شود؛ اجتماعاتی که قبلا درگیر اعتراضات نبودند. در سطح روایت عمومی - این که جنبش‌ها چطور خود و مبارزه خود را به دنیای بیرون توضیح می‌دهند - این فعال‌سازی جهت یک نمودار را از مبدا بی‌عدالتی فعلی، به سمت دیدگاه جایگزین و مراحل لازم برای رسیدن به آن ترسیم می‌کند. باید بررسی کنیم که معترضان در ایران تا کجا این روایت عمومی را پیش بردند و حداقل اگر این جنبش را با نمونه‌های مشابه در سراسر جهان مقایسه کنیم، هنوز چه گام‌هایی لازم است که برداشته شود.



در درس یکم بحث کردیم که چطور بعد از یک رویداد محرک - یا همان ماشه محرک - نارضایتی‌ها، که برای مدتی زیر رادار شکل می‌گیرند، با فوران اعتراض بیان می‌شوند. این اولین قدم است: زمانی که یک مشکل اجتماعی به عنوان یک بی‌عدالتی تلقی می‌شود، نه چیزی که از نظر اجتماعی قابل قبول یا اجتناب‌ناپذیر است. برای نمونه، «در حقیقت حجاب بیش از آنکه از ستون‌های انقلاب اسلامی باشد، نماد ظلم است.»

مرحله بعدی تدوین مطالبات است. خیلی زود بعد از شروع آن‌ها، اعتراضات با ارائه مطالباتی به صاحبان قدرت، نارضایتی مردم را آشکار می‌کند. منطبق پشت آن به این شکل است که درخواست‌ها ممکن است به‌طور خودجوش از توده‌های مردمی ظاهر شوند، زیرا معترضان نارضایتی‌های خودشان را به اشتراک می‌گذارند و مسائل مشترکی را شناسایی می‌کنند که باید به آن‌ها رسیدگی شود. این مطالبات را می‌شود از طریق شعارها، سرودها یا دیگر اشکال اقدام جمعی مطرح کرد. همچنین ممکن است خواسته‌ها توسط سازمان‌دهندگان یا رهبرانی تدوین شوند که رویکرد استراتژیک‌تری نسبت به اعتراض دارند. آن‌ها ممکن است برای شناسایی اهداف مشخصی که قابل دستیابی و از نظر سیاسی قابل اجرا هستند، تلاش کنند و این خواسته‌ها را به عموم مردم یا صاحبان قدرت منتقل کنند. در جوامع به‌شدت سرکوبگر، احتمال وقوع اولی بیش‌تر از دومی است؛ تدوین مطالبات از پایین به بالا باعث می‌شود که مطالبات به‌خوبی خواسته‌های مردم را بیان کنند و مصادره آن‌ها - از سوی صاحبان قدرت یا گروهی خاص - سخت‌تر باشد، در مقایسه با مواردی که یک قهرمان پا پیش می‌گذارد و مطالباتی را مطرح می‌کند که ممکنه از نظر سیاسی مقبول‌تر باشند؛ اما در عین حال برای صاحبان قدرت آسان‌تر است که آن مطالبات را به روشی که به نفعشان است، تفسیر کنند.

این مطالبات، درباره اعتراضات سال ۱۴۰۱ ایران، اول برای پایان دادن به حجاب اجباری بود اما به‌سرعت به وضعیت زنان و بعد تغییرات عمده سیاسی در کشور گسترش یافت.

### ساختن یک چشم‌انداز آینده

یک جنبش، پس از بسیج اولیه به‌ندرت موفق می‌شود. وقتی مطالبات مطرح می‌شوند، طرف مقابل گوش نمی‌دهد و نهادهایی که وظیفه‌شان پاسخگویی به گلایه‌های مردم است، سکوت می‌کنند. در واقع شکست آن نهادها بر ملا می‌شود و مردم متوجه می‌شوند

که آن‌ها تقلبی هستند. بر اساس نقش‌های درون جنبش که در درس یکم توضیح داده شد، اینجا زمانی است که نقش یک شهروند به اندازه نقش یک شورش اهمیت دارد. در حالی که شورشیان می‌توانند اعتراضات را آغاز کنند و مطالبات خودشان را مطرح کنند، رهبران شهروند کسانی هستند که این بسیج اولیه را به نیاز برای اصلاحات همه‌جانبه ربط می‌دهند.

آنچه معمولاً در این مرحله باید اتفاق بیفتد، تدوین چشم‌اندازی جایگزین برای یک کشور است؛ چیزی که می‌تواند مردم را حول مجموعه‌ای از اهداف جمع کند و حتی پس از کاهش سرعت بسیج اولیه در نتیجه سرکوب، آن‌ها را در جنبش نگه دارد. این چشم‌انداز از یک کشور دموکراتیک، یک پیش‌نیاز است؛ نه فقط برای این‌که مردم را برای مدتی طولانی در صحنه نگه داریم، بلکه برای کمک به پل‌سازی بین بازیگران مختلف سیاسی و اجتماعی که به مرور نیاز به همبستگی و تبدیل شدن به یک اتحاد کارآمد برای رهبری دوره گذار دارند. چشم‌اندازی که از آن حرف می‌زنیم، ستون اصلی ائتلاف است که باید بین جناح‌های مختلف اتفاق بیفتد تا به یک ائتلاف کارآمد منجر شود؛ ائتلافی که از سقوط رژیم جان سالم به در ببرد و بتواند تغییرات سیستمی مورد نیاز برای دستیابی به این چشم‌انداز را انجام دهد.

دلیل دیگر برای تدوین چنین چشم‌اندازی، بازکردن دری برای صف‌بندی مجدد در سمت حریف است. بعضی از حامیان رژیم، شروع به شک و تردید می‌کنند و وفاداری خودشان به رژیم را زیر سوال می‌برند. اما آن‌ها اغلب در نشان دادن این موضوع تردید دارند، برای اینکه از تنبیه شدن به دلیل نافرمانی می‌ترسند. بنابراین دورشدن آن‌ها از رژیم، بی‌سر و صدا اتفاق می‌افتد و تنها در پایان، زمانی که تهدید و تحریم‌ها از بین می‌رود، قابل مشاهده خواهد بود. اما برای اینکه این همسویی اتفاق بیفتد، کافی نیست که به رژیم شک کنند. آن‌ها باید یک جایگزین جذاب ببینند و چشم‌اندازی از کشوری که بتوانند خودشان را در آن پیدا کنند؛ چشم‌اندازی از کشوری که در آن جایی برای آن‌ها وجود دارد. این دلیل دیگری برای این است که چرا وعده یک آینده دموکراتیک فراگیر برای موفقیت یک جنبش، مهم است.

بیا بید یک نمونه تاریخی از چشم‌انداز فردا را بررسی کنیم؛ منشور آزادی که توسط کنگره ملی آفریقا در آفریقای جنوبی زمانی به تصویب رسید که آن‌ها علیه رژیم آپارتاید

می‌جنگیدند. کنگره ملی آفریقا، داوطلبانی را به نقاط مختلف کشور فرستاد تا با جوامع ملاقات کنند و شکایات مردم و افکار آن‌ها را جمع‌آوری کنند و اینکه وقتی سیستم مبتنی بر سلطه تبعیض نژادی سفیدپوستان آفریقای جنوبی علیه سیاه‌پوستان آفریقای جنوبی کنار برود و با یک نظم دموکراتیک‌تری جایگزین شود، کشور چگونه باید به نظر برسد. آن‌ها هزاران داده را از سراسر کشور جمع‌آوری کردند. آن‌ها را جمع‌آوری و تدوین کردند که منجر به تنظیم یک سند الهام‌بخش شد که بعدها «ملت رنگین‌کمان» نام گرفت.

منشور آزادی، بستری برای سازمان‌دهی «تحریم»، «اعتصاب» و «تافرمانی مدنی» علیه رژیم بود. در جریان مذاکرات با رژیم آپارتاید، از آن به عنوان یک پلتفرم استفاده شد و بعداً - زمانی که کنگره ملی آفریقا قدرت را به دست گرفت و اجرای برنامه آفریقای جنوبی جدید را آغاز کرد - به عنوان یک سند راهنما مورد استفاده قرار گرفت. این فرآیند بر اساس زمان و منابع موجود، می‌تواند کم و بیش فراگیر باشد، اما هدف آن این است که مردم در چشم‌انداز کشور صدایی داشته باشند و در مبارزه برای دستیابی به این چشم‌انداز سهیم باشند.

اگر ما چشم‌اندازی برای آینده داریم، باید در نظر بگیریم که آیا ائتلاف جنبش، نماینده آن چشم‌انداز است یا خیر. آیا شاهد مشارکت اقشار مختلف جامعه هستیم؟ آیا اقلیت‌های قومی یا مذهبی در این جنبش مشارکت یا نقش رهبری دارند و به آن شکل می‌دهند؟ آیا زنان و جوانان در خط مقدم مبارزه هستند؟

مهم است که بدانیم موانع ورود به فعالیت برای افراد مختلف متفاوت است. آنچه که برای کسی که دارای امتیاز اجتماعی است، لازم است. برای همه لازم نیست. برخی افراد برای پیوستن به این مبارزه هزینه‌های بیش‌تری متحمل می‌شوند. افرادی را که در منطقه مبارزه خودتان با آن‌ها کار می‌کنید در نظر بگیرید؛ آیا صدای آن‌ها را می‌شنوید؟ آیا می‌دانید که فعالیت آن‌ها ممکن است از دیدگاهی متفاوت از شما باشد؟ چگونه می‌توانید از آن‌ها بیاموزید و به آن‌ها اجازه دهید که جنبش را به شیوه‌های مهمی شکل دهند؟

جنبشی که از شهریور ۱۴۰۱ در ایران شروع شد، در تبدیل به ائتلافی متنوع که نماینده کل ملت است، بسیار موفق‌تر از جنبش‌های گذشته بوده است. این مبارزه کم‌تر سلسله‌مراتبی بوده و غنی از اختلافات جمعیت ایران است. اما چگونه می‌توانیم همبستگی بین جوامع را به گونه‌ای ایجاد کنیم که در دهه‌های آینده، یک جامعه جدید پایدار بماند؟

## درس چهار: مدیریت ریسک، سرکوب و دستگیری

### انتخاب اقداماتی برای کاهش ریسک

ابتدا مهم است که هنگام برنامه‌ریزی کمپین‌های خود، اقدامات مختلفی را که می‌توانیم انجام دهیم در نظر بگیریم. ریسک بالا همیشه به معنای پاداش بالا نیست. انتخاب‌های مخاطره‌آمیز، تنها انتخاب‌های ما برای تغییر نیستند. آیا ما به عنوان فعال، نیاز به شهید شدن داریم؟ نه. ما باید دریابیم که چگونه به زندگی مان ادامه دهیم تا بتوانیم جامعه را به یک سیستم عادلانه‌تر تغییر دهیم.

در این درس می‌پردازیم به این که چگونه می‌توانیم تاکتیک‌هایی را انتخاب کنیم که موثر باشند و در عین حال خطر سرکوب خشونت‌آمیز را هم کاهش دهیم. یکی از راه‌های درک این موضوع، این است که انتخاب‌های تاکتیکی خودمان را به دو دسته تقسیم کنیم: یکی «تاکتیک‌های تمرکز» و دیگری «تاکتیک‌های پراکندگی».

### تاکتیک‌های تمرکز

تاکتیک‌های تمرکز همه آن اقداماتی هستند که افراد را در یک فضای جغرافیایی گرد هم می‌آورند؛ تاکتیک‌هایی که باعث ایجاد و نیاز به جمعیت می‌شوند. تظاهرات، یک تاکتیک تمرکز است. راهپیمایی‌ها و راه‌بندان هم تاکتیک‌های تمرکز هستند. این‌ها رویدادهای مبارزاتی مفیدی هستند که هدف ما در آن‌ها افزایش دیده‌شدن مخالفان،

جذب شرکت‌کنندگان جدید، انتقال یک پیام عمومی واضح، استفاده از توده انبوه جمعیت برای جلوگیری از وقوع یک رویداد، یا بسیاری از نتایج دلخواه دیگر است.

### تاکتیک‌های پراکندگی

تاکتیک‌های پراکندگی همه آن اقداماتی است که در آن‌ها افراد پراکنده می‌شوند و در یک مکان نیستند. این تاکتیک‌ها می‌توانند توسط افراد یا گروه‌های کوچکی از مردم انجام شوند. «تحریم» یک تاکتیک پراکندگی است. لازم نیست برای توقف خرید یک محصول خاص یا از یک شرکت خاص در جایی حضور پیدا کنید. درخانه ماندن و توقف کار هم تاکتیک‌های پراکندگی هستند. اگر در خانه بمانید و به مدرسه نروید یا سر کار حاضر نشوید، برای رژیم بسیار دشوارتر است تا این که شما را با هنجارها و انتظارات اجتماعی مجبور به همکاری کند.

برای ردیابی و شناسایی افرادی که در یک اقدام شرکت می‌کنند - و هر گونه اقدامات تنبیهی - به منابع انسانی بیش‌تری نیاز است. شما می‌توانید در یک رویداد شرکت کنید در حالی که وانمود می‌کنید که در آن شرکت نمی‌کنید. به هر حال، دلایل زیادی وجود دارد که یک فرد ممکن است در خانه بماند.

ما شاهد بودیم که انقلاب ۲۰۱۹ سودان علیه عمرالبشیر، از این روش به طور موثر استفاده کرد. پس از این‌که تاکتیک‌های تمرکز فزاینده آن‌ها در قالب اعتراض‌ها و راهپیمایی‌ها سرکوب خشونت‌بار را برای رژیم آسان کرد - به‌ویژه پس از کسب حمایت نظامی بیش‌تر از متحدان خارجی - جنبش به تاکتیک‌های پراکندگی روی آورد. مردم شروع به ماندن در خانه کردند. خیابان‌ها خالی بود. اقتصاد متوقف شد. جنبش توانست قدرت را در دست بگیرد و در عین حال میزان خشونت و تعداد مرگ و میرهایی را که شروع کرده بود، کاهش دهد.

برای جنبش‌ها مهم است که در نظر بگیرند چه زمانی وقت «تمرکز» تعداد زیادی از مردم است و چه زمانی وقت «پراکندگی» و کار در گروه‌های کوچک یا فردی فرا رسیده است. تصور طرح‌های تاکتیکی با در نظر گرفتن این موضوع، می‌تواند به یک جنبش کمک کند تا تحت حکومت رژیم‌های به‌شدت سرکوبگر، موثرتر عمل کند.

طیف وسیعی از تاکتیک‌ها برای استفاده در دسترس ما هستند. در درس پنج، در

مورد انتخاب‌های تاکتیکی‌مان صحبت خواهیم کرد و درباره نحوه انتخاب، طراحی و اجرای آن‌ها. اما حالا ما می‌خواهیم منبعی را به شما معرفی کنیم که صدها تاکتیک را فهرست می‌کند: کتاب «مقاومت مدنی در قرن بیست و یکم» که بررسی عمیق بیش از ۳۴۰ انتخاب تاکتیک است و برای دانلود رایگان به زبان فارسی، در وبسایت ICNC در دسترس است.

### انضباط بدون خشونت برای کاهش خطرات

راه دیگری که می‌توانیم خطرات خشونت علیه یک جنبش را با آن کاهش دهیم، تمرین نظم و انضباط بدون خشونت است. انضباط غیرخشونت‌آمیز را به عنوان «تعهدی عملی» به امتناع از خشونت علیه رژیم - حتی در مواجهه با خشونت - در نظر بگیرید. چرا ما در این شرایط باید بی‌خشونت بمانیم؟ اول به این دلیل که احتمال موفقیت جنبش ما را در دستیابی به اهداف خودمان افزایش می‌دهد. برای درک بهتر مزایای چندگانه استراتژی مقاومت مدنی نسبت به استراتژی مقاومت مسلحانه، توصیه می‌کنیم که درس دوم را مجدداً بررسی کنید. اما دوم، خودداری از اعمال خشونت‌آمیز تا حدودی احتمال خشونت شدید علیه ما را کاهش می‌دهد.

در مطالعه سال ۲۰۱۸ با عنوان «مقاومت غیرخشونت‌آمیز و جلوگیری از کشتارهای دسته‌جمعی در طول قیام‌های مردمی»، دو محقق با نام‌های پرکوسکی و چنوو،<sup>۱</sup> قیام‌های مردمی از ۱۹۵۵ تا ۲۰۱۳ را برای ارزیابی وقوع کشتار جمعی بررسی کردند. همان‌طور که آن‌ها تعریف کرده‌اند، «کشتارهای دسته‌جمعی، کشتار عمدی هزار نفر یا بیش‌تر افراد عادی و غیرنظامی توسط نیروهای تحت رهبری یا هدایت‌شده توسط دولت در یک رویداد مداوم است.» از ۳۰۸ قیام خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز - که آن‌ها شناسایی کردند - ۴۳ درصد یک کشتار دسته‌جمعی را تجربه کرده‌اند. هنگام مقایسه موارد مسلحانه و غیرمسلح، یک الگوی روشن ظاهر شد؛ در میان مبارزات مسلحانه، ۶۸ درصد - بیش از دو/سوم - کشتار دسته‌جمعی را تجربه کردند. در همین حال، در میان کمپین‌های مقاومت مدنی، تنها ۲۳ درصد، کشتار دسته‌جمعی را تجربه کردند؛ کم‌تر از

1. Evan Perkoski and Erica Chenoweth.

یک/چهارم. عدم خشونت، خطر خشونت علیه یک جنبش را از بین نمی‌برد اما احتمال وقوع آن را بسیار کم‌تر می‌کند.

مطالعه دیگری تعداد اعمال سرکوب‌شده توسط رژیم‌ها را مقایسه کرده؛ اقدامات خشونت‌آمیز تقریباً در ۷۰ درصد موارد سرکوب می‌شدند، در حالی که اقدامات غیرخشونت‌آمیز فقط در ۱۲ درصد موارد، سرکوب می‌شدند.

### مقابله با آزار و شکنجه

به وضوح می‌بینیم که کاهش احتمال سرکوب و اقدامات خشونت‌آمیز علیه یک جنبش، از جمله فواید آشکار متعهدماندن به مقاومت مدنی است. با این حال، روشن است که رژیم‌ها همچنان سرکوب می‌کنند. پس زمانی که این اتفاق می‌افتد، چه کاری می‌توانید انجام دهید؟

می‌توان کاری کرد که سرکوب بیش از آنکه به اهداف جنبش لطمه بزند، به اهداف رژیم آسیب وارد کند. این چطور ممکن است؟ ما اسم این ایده را «کمانه کردن» می‌گذاریم. حتی اقتدارگراترین رژیم‌ها هم می‌خواهند وانمود کنند که حکومت آن‌ها خواست مردم است و اینکه یک حمایت مردمی برای وضع موجود وجود دارد. زمانی که آن‌ها به طرز وحشیانه‌ای علیه معترضان رفتار می‌کنند، مردم در کل - و جامعه بین‌المللی - شروع به زیرسوال‌بردن مشروعیت و حق حکومت برای ماندن در قدرت می‌کنند. اقتدارگرایان می‌خواهند بیش‌ترین آسیب را علیه اهداف یک جنبش وارد کنند؛ در حالی که تا حد ممکن کم‌تر سرکوبگر به نظر برسند. از سوی دیگر، جنبش‌ها می‌خواهند ظاهر سرکوب رژیم‌ها را به حداکثر برسانند و در عین حال آسیب واقعی علیه شرکت‌کنندگان جنبش را به حداقل. نتیجه معکوس زمانی اتفاق می‌افتد که جنبش، برای افشای بی‌رحمی یک رژیم، به هر میزانی از سرکوب نور می‌تاباند.

دکتر براین مارتین، نویسنده کتاب «راهنمای اثرگذاری معکوس: روش‌هایی در برابر بی‌عدالتی»، پنج مولفه لازم برای دستیابی به نتیجه معکوس در مواجهه با سرکوب را فهرست می‌کند. در ادامه این ۵ مولفه را با هم بررسی می‌کنیم.

### ۱. آنچه اتفاق افتاده را افشا کنید

رژیم‌ها می‌خواهند اقدامات سرکوبگرانه خودشان را پنهان کنند. جنبش‌ها باید این وقایع را برای تضعیف رژیم آشکار کنند. مستندسازی، ضبط و گزارش اقداماتی مانند قتل‌های غیرقانونی، کشتار دسته‌جمعی و شکنجه، به افشای ماهیت واقعی رژیم کمک می‌کند.

### ۲. هدف را اعتبارسنجی کنید

ویژگی‌های مثبت شخص یا افرادی که مورد ظلم قرار گرفته‌اند را نشان دهید. انسانیت و مثبت‌اندیشی قربانیان را نشان دهید.

### ۳. وقایع را به عنوان بی‌عدالتی تفسیر کنید

روشن کنید که این رویدادها از نظر سیاسی و اخلاقی اشتباه است و قربانیان مستحق آن نیستند.

### ۴. بسیجی از پشتیبانان تشکیل دهید

افراد بیش‌تری را قانع کنید که با شما موافقت کنند و بعد از آن‌ها بخواهید در پشتیبانی از عدالت، اقدام کنند.

### ۵. در برابر ارباب و پاداش، مقاومت کنید

رژیم سعی خواهد کرد با ترساندن شما، از مجازات یا با فریب‌دادن و پرت‌کردن حواس شما با پاداش، کارزار معکوس شما را متوقف کند. در برابر این فشارها مقاومت کنید

با تمرکز بر این پنج مولفه می‌توانید اعمال سرکوب را تبدیل به رویدادهایی کنید که به رژیم آسیب می‌زنند. به این ترتیب به ایجاد همبستگی و حمایت بیش‌تر برای اهداف جنبش خود کمک کنید.

## ۳ اقدامی که می‌تواند از سوی یک جنبش، بی‌رحمی یک رژیم در سرکوب را افشا کند

### ۱- برخورد با دستگیری‌ها

برای یک جنبش مهم است که ظرفیت مقابله با دستگیری فعالانش را ایجاد کند، به این دلیل که رژیم همیشه از دستگیری‌ها و بازداشت‌ها برای تضعیف توانایی جنبش‌ها برای



جذب مردم استفاده می‌کند.

اختلالات ناشی از دستگیری‌ها را می‌شود با یک برنامه‌ریزی مناسب کاهش داد که به فعالان مورد هدف رژیم، نوعی از پشتیبانی را ارائه می‌کند که آن‌ها در لحظه حساس دستگیری به آن نیاز دارند. این طرح باید از قبل آماده شود. برای اینکه برنامه‌ریزی در لحظه بحران اگر نگوئیم غیرممکن، دشوار است و هدف از چنین اقدامات سرکوبگرانه‌ای ایجاد اختلال در جنبش‌ها و تضعیف توانایی آن‌ها در برنامه‌ریزی، و امور دیگر است.

یکی از نمونه‌های طرح آماده‌سازی، طرح موسوم به «طرح B» است که توسط جنبش آتپور در صربستان توسعه پیدا کرد؛ زمانی که آن‌ها علی‌رغم خشونت‌پرهیزی مطلق، به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام شدند. این اتهام نادرست برای دستگیری گسترده فعالان آتپور مورد استفاده قرار گرفت. هزاران نفر در جریان سرکوب دستگیر شدند، اما جنبش جان سالم به در برد و توانست به مقابله بپردازد. طرح B مشخص کرد که فعالان هنگام دستگیری چه کاری باید انجام دهند. مرحله ابتدایی، نحوه اطلاع‌رسانی در مورد دستگیری، خبرگرفتن دائم از همراهان خود، اطلاع‌دادن به آن‌ها در مورد محل نگهداری، اطلاع‌رسانی به خانواده و مشارکت خانواده است. همه این‌ها برای این است که بتوانیم اطلاعات مربوط به دستگیری را در اسرع وقت به دست بیاوریم تا بتوانیم سریع عمل کنیم. مجموعه دیگری از توصیه‌ها برای فعالان درباره این بود که بعد از دستگیری چه باید کرد تا خطر شکنجه و آسیب فیزیکی به حداقل برسد. این توصیه‌ها بر اساس تجربیات افرادی بود که در بازداشت پلیس بودند.

جدای از پیشنهادهایی برای فعالان دستگیرشده، طرح B شامل پروتکلی در این باره بود که جنبش پس از اطلاع از دستگیری چه باید کند. این شامل اطلاع‌رسانی به وکلای رسانه‌ها و تماس با کلانتری برای جویاشدن در مورد شرایط فعال دستگیرشده بود، اما این تنها اولین اقدام فوری بود. هدف نهایی، بسیج جامعه محلی از طریق تماس با رهبران محلی و اعضای برجسته جامعه و ایجاد فشار برای محافظت از فعالان دستگیرشده با افزایش سطح دیده‌شدن آن‌ها بود.

این اغلب منجر به تجمعات عمومی در مقابل ایستگاه‌های پلیس می‌شد که در شهرهای کوچک، که در آن جامعه محلی توانایی بسیار بیشتری برای تعامل با نیروی پلیس محلی دارد، بسیار موثر بود. در نتیجه فعالان آتپور در مقیاس بسیار کم‌تری نسبت

به سایرین - که توسط پلیس صربستان دستگیر شده بودند - مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار گرفتند.

طرح B به صورت مفصل توسط زورانا اس میلیانیچ<sup>۱</sup> در مقاله خود با عنوان «Plan B» که برای تاکتیک‌های جدید در حقوق بشر نوشته، توضیح داده شده است.

## ۲- کمک به زندانیان سیاسی

علاوه بر داشتن یک سیستم پلن B، که برای راهنمایی شما برای آنچه در صورت دستگیری باید انجام دهید آماده شده است، جنبش‌ها باید در نظر داشته باشند که برای حمایت بلندمدت از زندانیان سیاسی چه کاری می‌توانند انجام دهند.

پروژه Politzek.me، پروژه‌ای است که توسط فعالان بلاروس ترتیب داده شده و یک گزینه نوآورانه را نشان می‌دهد که جنبش‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. پروژه Politzek.me در پاسخ به سرکوب فزاینده‌ای که فعالان و زندانیان سیاسی در بلاروس با آن روبرو هستند ایجاد شد.

با توجه به بازداشت بیش از ۵۰۰ زندانی سیاسی در کشور، هدف این پروژه این بود که حمایت عمومی از این افراد را جهت دهد و آگاهی بین‌المللی در مورد نقض حقوق بشر را افزایش دهد. این پروژه با همکاری با سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها و سیاستمداران به دنبال ایجاد بستری برای مردم عادی است تا از طریق اقدامات علنی همبستگی، فعالانه در این امر مشارکت کنند.

اما آن‌ها چطور این کار را انجام می‌دهند؟ در وبسایت Politzek.me، کاربران می‌توانند با یک زندانی سیاسی «دوست» شوند، درست همان‌طور که شما با یک مخاطب در رسانه‌های اجتماعی دوست می‌شوید. با دوستی، افراد متعهد می‌شوند که حداقل یک عمل همبستگی را از طرف خود انجام دهند. فهرستی از اقدامات ممکن، ارائه شده؛ از به‌اشتراک‌گذاری داستان زندانی در شبکه‌های اجتماعی گرفته تا ارسال بسته‌هایی با لوازم ضروری برای آن‌ها. کاربران می‌توانند به راحتی مسیر پشتیبانی خودشان را پیگیری کنند و اقدامات تکمیل شده همبستگی را در پروفایلشان ببینند. این باعث ایجاد حس همبستگی

1. Zorana S. Milianić.

اجتماعی می‌شود و به دیگران اجازه می‌دهد تا شاهد حمایت از زندانیان سیاسی باشند. رویکرد پویای Politzek.me به عنوان پلی بین دنیای آنلاین و آفلاین عمل می‌کند و بر چالش‌هایی که اغلب در راه فعالیت‌های آنلاین است، غلبه می‌کند. این پروژه از زمان راه‌اندازی‌اش در دسامبر ۲۰۲۰، با بیش از ۹ هزار نامه، ۳ هزار کارت‌پستال و نمونه‌های متعدد حضور در جلسات دادگاه و بسته‌های پستی - فقط در شش ماه اول - جذابیت قابل توجهی پیدا کرده است. این فعالان همچنین یک خبرنامه هفتگی برای فهرستی از مشترکان و سازمان‌های بین‌المللی منتشر می‌کنند که آن‌ها را در مورد زندانیان سیاسی جدید و هرگونه تحول در پرونده‌های حقوقی یا شرایط زندان به‌روز می‌کند. Politzek.me با برجسته‌کردن داستان‌های آن‌ها و تبدیل زندانیان سیاسی به «سوپرستار»، بستری برای اقدام جمعی فراهم می‌کند و عدالت و دموکراسی را در بلاروس پیش می‌برد.

یکی دیگر از راه‌های حمایت از فعالان دستگیرشده و زندانیان سیاسی، توجه به نیازهای اقتصادی آن‌ها و خانواده‌هایشان است. دستگیری‌ها بر وضعیت مالی خانواده فعالان تاثیر می‌گذارد. اگر اخراج شوند یا به دلیل بازداشت نتوانند کار کنند، چه اتفاقی می‌افتد، و یک جنبش برای حمایت از آن‌ها چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ برخی از جنبش‌ها برای آزادی از حمایت قوی جامعه دیاسپورا برخوردار شدند. به عنوان مثال، در مبارزه ونزوئلا برای آزادی، جامعه دیاسپورا صندوقی را ایجاد کرد تا از خانواده‌های زندانیان سیاسی و فعالان در هنگام دستگیری حمایت کند. جنبش آزادی زنان چگونه می‌تواند راه‌هایی برای حمایت مالی از فعالان دستگیرشده و خانواده‌های آن‌ها ایجاد کند؟ آیا ممکن است یک صندوق اجتماعی وجود داشته باشد؟ یک شبکه پشتیبانی بین‌المللی؟

### ۳- اعتصاب برای آزادی

نحوه انجام فعالیت‌های ما زمینه‌ساز جامعه آینده‌ای است که در حال ایجاد آن هستیم. با مسائلی که برای تمرکز کردن انتخاب می‌کنیم و روشی را که برای تاکتیک‌های خودمان برمی‌گزینیم، در واقع بذر فردا را می‌کاریم. هنگامی که فعالان همکاران ما به زندان می‌افتند، ما با نشان دادن چگونگی مراقبت از ستمدیدگان، پایه‌های جامعه‌ای بهتر را

پایه‌ریزی می‌کنیم. گاهی ما برای زندانی‌ها اقداماتی انجام می‌دهیم و گاهی آن‌ها برای خودشان.

یک تاکتیک رایج برای زندانیان سیاسی، اعتصاب غذا است. این‌ها می‌توانند فردی یا جمعی باشند و در یک زندان یا در بسیاری از زندان‌ها. این اعتصاب‌ها می‌توانند برای بهبود شرایط زندان خودشان باشند؛ برای دریافت غذای سالم‌تر، ترتیبات خواب بهتر، لوازم نوشتن نامه یا ملاقات با خانواده. آن‌ها همچنین می‌توانند برای آزادی باشند. در ایران در برخی موارد، زندانیان سیاسی یا عقیدتی توانسته‌اند با اعتصاب غذا به خواسته‌شان برسند. در برخی موارد اما اعتصاب غذا موثر نبوده و حتی به قیمت از دست دادن جان آن‌ها تمام شده است. مثلاً محمد نظری، زندانی سیاسی، در سال ۱۳۹۶ در حالی که بیش از ۲۴ سال بدون حتی یک روز مرخصی در زندان محبوس بود، در اعتراض به عدم رسیدگی مسئولان به پرونده‌اش و همچنین اعاده دادرسی، دست به اعتصاب غذا زد. پس از ۹۹ روز، بالاخره وکلای موردنظر او اجازه یافتند با او در زندان ملاقات کنند و وکالتنامه را به امضای او برسانند. اگرچه این اعتصاب غذای طولانی مدت آسیب‌های جسمی نیز برای او به دنبال داشت.

اما در مواردی نیز اعتصاب غذا منجر به مرگ زندانیان شده است. مثل عادل کیانپور که چهارم دی ۱۴۰۰ در اعتراض به محرومیت از حق دادرسی عادلانه و بدون رسیدگی پزشکی دست به اعتصاب غذا زد، اما روز یازدهم دی ۱۴۰۰ در پی وخامت حالش در زندان شبیان اهواز جان باخت. برخی مواقع هم گروهی از زندانیان برای رسیدن به خواسته‌های مشخصی دست به اعتصاب غذا می‌زنند.

اگرچه برخی به طور کلی مخالف اعتصاب غذا هستند، زندانیان در مقاطعی به عنوان تنها ابزاری که در اختیار دارند دست به این اقدام اعتراضی می‌زنند. البته بنا به تجربه‌هایی که زندانیان از سر گذرانده‌اند، اعتصاب غذا زمانی که خبری می‌شود و در سطح وسیعی منعکس می‌شود، موثرتر می‌شود و می‌تواند صدای زندانی را از پشت میله‌های زندان به گوش همه برساند.

جنبش‌ها می‌توانند استراتژی اعتصاب غذای زندانی را - حتی قبل از زندانی شدن افراد - در نظر بگیرند. آن‌ها می‌توانند در مورد این‌که چه شرایطی این تاکتیک را برای اهدافشان مفید می‌کند و اینکه چگونه در مورد شرایط و اهداف اعتصاب تصمیم می‌گیرند،

بحث کنند. جنبش‌ها همچنین می‌توانند در نظر بگیرند که چه نوع اقدامات همبستگی می‌توانند در بیرون دیوارهای زندان برای کمک به تقویت نیازهای زندانیان آماده باشند. تاکتیک دیکتاتور در استفاده از حبس سیاسی علیه مخالفان، فرصتی برای ایجاد نتیجه معکوس علیه رژیم است. بزرگ‌نمایی داستان‌های زندان‌های غیرقانونی، می‌تواند به بسیج افراد بیش‌تری در جامعه کمک کند، خنثی‌ها را به حامیان منفعل و حامیان منفعل را به حامیان فعال تبدیل کنند. زمانی که مردم به خاطر خواستن جامعه‌ای بهتر زندانی می‌شوند، برای عموم مردم سخت‌تر می‌شود که وانمود کنند که جامعه در حال حاضر به اندازه کافی خوب است. اگرچه زندان‌های سیاسی وحشتناک‌اند، اما به فعالان این امکان را می‌دهند که حرکتهای استراتژیکی برای تغییر مثبت انجام دهند.

زمانی که همکاران فعال ما در زندان هستند، چه فرصتهایی برای حمایت از آن‌ها و خانواده‌هایشان ایجاد کنیم؟ چه سیستم‌هایی را می‌شود زودتر از موعد ایجاد کرد که ما را برای رویارویی با این چالش‌ها آماده کنند؟

## درس پنجم: انتخاب و توسعه تاکتیک‌ها و استفاده از آموزش فراگیر

در دهه ۱۹۷۰ جین شارب، دانشمند علوم سیاسی، فهرستی از ۱۹۸ تاکتیک را جمع‌آوری و سازمان‌دهی کرد. در سال‌های اخیر این فهرست به ۳۴۶ تاکتیک افزایش یافته است. واضح است که بسیاری گزینه‌های خلاقانه وجود دارد که جنبش‌ها می‌توانند موقع برنامه‌ریزی برای رویداد بعدی کمپین خود انتخاب کنند. اما چطور می‌توانیم تعیین کنیم که چه اقداماتی باید انجام دهیم؟ پاسخ این است که ما برای این کار، به فرآیندی برای نوآوری تاکتیکی نیاز داریم.

### نوآوری تاکتیکی

ابتدا باید مشخص کنیم که هدف تاکتیک چیست؟ نمودار طیف متحدان را که در آن همه ذی‌نفعان جامعه - از حامیان فعال و منفعل گرفته تا خنثی‌ها و مخالفان منفعل و فعال - را ترسیم کردید، دوباره بررسی کنید. یک گروه خاص را در این نمودار تعیین کنید. هدف شما این است که آن گروه را یک قدم به سمت چپ حرکت دهید. برای مثال، اگر آن‌ها مخالفان فعال هستند، آیا می‌خواهید آن‌ها را به عنوان مخالفان منفعل تبدیل کنید؟ اگر خنثی هستند، آیا می‌خواهید آن‌ها را به حامیان منفعل تبدیل کنید؟ پس از تعیین هدف، باید آن‌ها را درک کنید. اگر ندانید که آن‌ها چه کسانی هستند، چه می‌خواهند و انگیزه‌هایشان

چیست، نمی‌توانید به طور موثر برای تغییر موقعیت یا اقدامات یک هدف مبارزه کنید. زمانی که اهداف‌تان را انتخاب کردید و برای درک بهتر آن‌ها تحقیق کردید، می‌توانید فرآیند نوآوری تاکتیکی را آغاز کنید.

## ۳ مولفه مختلف برای نوآوری تاکتیکی معنادار

### ۱. جمع‌آوری

جمع‌آوری، فرآیند ایجاد فهرستی از تاکتیک‌هایی است که در گذشته مورد استفاده قرار گرفته است. این تاکتیک‌ها ممکن است در ایران، سایر کشورهای منطقه یا سایر نقاط جهان انجام شده باشند. آن‌ها می‌توانند از مبارزات علیه رژیم‌های توتالیتر، علیه شرکت‌های سوءاستفاده‌کننده، برای گسترش حقوق یا انواع بسیاری از مبارزات دیگر باشند. همان‌طور که لیستی از تاکتیک‌ها را تهیه می‌کنید، در نظر بگیرید که هر کدام از آن‌ها برای چه چیزی استفاده می‌شوند، چه کسانی را هدف قرار می‌دهند و چه تاثیری داشته‌اند. مهم است که ما فقط از سایر جنبش‌ها تقلید نکنیم، بدون اینکه اعمال خودمان را در محیط خاص خودمان تنظیم کنیم.

### ۲. همفکری و نوآوری تاکتیکی

دومین جزء، همفکری و نوآوری تاکتیکی است. در این فرآیند همه اعضای یک تیم، ایده‌هایی را برای گزینه‌های تاکتیکی به اشتراک می‌گذارند. حالا زمان مناسبی برای ارزیابی ریسک‌ها، در نظر گرفتن نقاط ضعف یا ویرایش گزینه‌های تاکتیکی نیست. فرهنگ نقدکردن، میزان و تنوع ایده‌ها را در طوفان فکری محدود می‌کند. در عوض، هدف این است که تا حد امکان انتخاب‌های بیش‌تری ایجاد کنیم. تیم‌ها باید این تمرین را به طور منظم انجام دهند تا ظرفیت خود را برای توسعه ایده‌های خلاقانه تقویت کنند. با برگزاری منظم جلسات طوفان فکری، می‌توانید مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها را بسازید که می‌توانند در زمان مناسب، در لحظه یا بر اساس هدف مشخص، ارزیابی، اصلاح و تنظیم شوند.

### ۳. آزمایش

آزمایش، سومین مولفه نوآوری تاکتیکی است. از طریق آزمایش است که می‌آموزیم چه

چیزی موثر است و چه چیزی نیست. برای مثال جنبش‌ها می‌توانند یک تاکتیک را در یک مکان - شاید در یک شهر کوچک‌تر - امتحان کنند و بعد آن تاکتیک را قبل از اجرای آن در یک شهر بزرگ‌تر ارزیابی و اصلاح کنند. از طرف دیگر، یک تاکتیک را می‌توان در منطقه‌ای آزمایش کرد که در آن حسن نیت بیش‌تری به جنبش وجود دارد، طوری که بعد از آن بتوان آن را برای مخاطبانی که همدلی کم‌تری با ما دارند، تطبیق داد.

جنبش‌ها می‌توانند با «جمع‌آوری تاکتیک‌ها»، «تاکتیک‌های طوفان فکری» و «آزمایش تاکتیک‌ها» گزینه‌های زیادی را برای اقدامات کمپین خود ایجاد کنند. توجه داشته باشید که این سه کار به مجموعه مهارت‌های متنوعی نیاز دارند.

برخی از اعضای یک تیم ممکن است محققانی عالی باشند و بتوانند به طور موثر تاکتیک‌هایی که در گذشته استفاده شده را جمع‌آوری و مستند کنند. دیگران ممکن است بتوانند در جلسات طوفان فکری ایده‌های بیش‌تری ارائه دهند. با این حال، دیگران ممکن است در بازنگری تاکتیک‌ها پس از آزمایش‌های اولیه، مهارت بیش‌تری داشته باشند.

حالا که مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها را برای اقدامات کمپین‌تان انتخاب کردید و الان که درباره گروهی تحقیق کردید که قصد دارید با اقدامتان آن را هدف قرار دهید، زمان انتخاب و آماده‌شدن برای یک تاکتیک فرا رسیده است.

قبل از انتخاب یک تاکتیک، عاقلانه است که آن‌ها را به ترتیب اولویت، رتبه‌بندی کنید. این رتبه‌بندی باید با تحلیل هزینه و منفعت هر تاکتیک انجام شود. ساده‌ترین راه برای انجام این کار، این است که تاکتیک‌ها را به ۴ گروه تقسیم کنید:

۱. تاکتیک‌های کم‌هزینه و منفعت بالا

۲. تاکتیک‌های کم‌هزینه و کم‌سود

۳. تاکتیک‌های با هزینه بالا و منفعت بالا

۴. تاکتیک‌های با هزینه بالا اما کم‌سود

همان‌طور که طبق ترتیب این دسته‌ها می‌بینید، در حالت ایده‌آل، هزینه‌های خودتان - از جمله خطرات - را به حداقل می‌رسانید و با تاکتیک‌هایی که انتخاب می‌کنید، سودتان را به حداکثر می‌رسانید.

در زمان انتخاب یک تاکتیک، بسیار مهم است که توالی تاکتیک‌های خود را در نظر



بگیرید. آخرین تاکتیکی که به کار گرفتید، چه بوده است؟ راهپیمایی خیابانی چیست؟ یک اقدام نمادین شامل یک لباس مشترک یا یک تحریم. به یاد داشته باشید که اگر تنها از یک تاکتیک به طور مکرر استفاده کنید، موثر نخواهید بود. در نظر بگیرید که تاکتیکی که انتخاب می‌کنید، چطور می‌تواند بر بنیان اقدامات گذشته ساخته شود و چطور بنیان اقدامات بعدی شما را پایه‌ریزی کند.

### تدوین یک برنامه تاکتیکی

در این مرحله که دیگر تاکتیکی را انتخاب کردید که اقدامات اخیر شما را در بر می‌گیرد و برای هدف‌قرار دادن گروه خاصی در جامعه انتخاب شده است تا آن‌ها را در طیف متحدان به شما نزدیک کند، باید برنامه‌ریزی را شروع کنید.

در برنامه‌ریزی برای یک تاکتیک، باید هر وظیفه فردی را در نظر بگیرید؛ چه کسی مسئول هر کدام از این وظایف است و چگونه آن را در یک جدول زمانی قرار می‌دهد. با تقسیم تاکتیک به وظایف فردی آن شروع کنید. مثلاً اگر مردم برای یک اقدام خلاقانه گرد هم می‌آیند، چگونه به آنجا می‌رسند؟ آن‌ها چگونه از رویداد مطلع می‌شوند؟ چه منابعی مورد نیاز است؟ هر جزء از تاکتیک را که نیاز به عمل دارد، شناسایی کنید. این لیست وظایف شماست.

در مرحله بعد، باید وظایف را در یک جدول زمانی مرتب کنید. این تقویم تاکتیکی شماست. اگر رویداد در تاریخ خاصی اتفاق می‌افتد، دو هفته قبل از آن چه اتفاقی باید بیفتد؟ یک هفته قبل چه اتفاقی باید بیفتد؟ کدام کارها باید دو روز یا یک روز قبل از رویداد تکمیل شوند؟ به همین ترتیب، همچنان وظایفی هستند که باید بعد از رویداد اتفاق بیفتند. هر مرحله را در تقویم تاکتیکی خودتان فهرست کنید. سپس مشخص کنید که چه کسی مسئول هر کاری است. نقاط قوت و منابع افراد تیم‌تان را در نظر بگیرید. آیا افرادی هستند که ارتباطات خوبی دارند؟ آن‌ها می‌توانند نقش هر نوع پیام‌رسانی را ایفا کنند. آیا کسی هست که وسیله نقلیه بزرگی داشته باشد که بتواند شرکت‌کنندگان را حمل کند؟ اطمینان حاصل کنید که برای هر کار، فردی تعیین شده باشد که مسئول انجام آن کار در روز برنامه‌ریزی شده باشد. این لیست مسئولیت‌های شماست.

تقویم تاکتیکی و لیست مسئولیت‌ها با هم برنامه تاکتیکی شما را تشکیل می‌دهند.

حالا دیگر آماده شروع اجرای تاکتیک هستید.

## آموزش همه جانبه

ما چگونگی نوآوری تاکتیک‌های جدید و رتبه‌بندی آن‌ها را تحت تحلیل هزینه و فایده در نظر گرفتیم. همین‌طور نحوه توسعه یک برنامه تاکتیکی بر اساس استفاده از تقویم تاکتیکی و لیست مسئولیت‌ها را بررسی کردیم. حالا باید در نظر بگیریم که چطور از طریق استفاده از رویکردی به نام «آموزش فراگیر»، از نظر روانی برای انجام یک تاکتیک آماده شویم.

آموزش فراگیر، فرآیندی است که از طریق آن محیط و متغیرهای اجتماعی را بازسازی می‌کنیم. و پیش‌بینی می‌کنیم که چطور در زمان اجرای تاکتیک با آن‌ها مواجه شویم. در یک محیط امن و منزوی و تنها با افراد تیم خودتان است که می‌توانید واقعیت‌ها و چالش‌های بیرونی را بازسازی کنید؛ چالش‌هایی که فعالان هنگام شرکت در یک رویداد مقاومت با آن‌ها مواجه خواهند شد. این امر به شرکت‌کننده‌ها اجازه می‌دهد تا ارزیابی کند که آیا - حتی در مواجهه با درگیری - نظم و انضباط لازم برای پایبندی به تاکتیک‌های برنامه‌ریزی‌شده و در نتیجه حفظ اهداف استراتژیک را دارند یا خیر. همین‌طور به شرکت‌کننده‌ها اجازه می‌دهد تا نظم و انضباطی را که ممکن است به طور طبیعی نداشته باشند، پرورش دهند. علاوه بر این، به هماهنگ‌کنندگان این امکان را می‌دهد تا تعیین کنند که شاید شرکت‌کننده‌هایی وجود دارند که برای انجام یک کار خاص مناسب نیستند برای مثال موردی از «تحصن‌های پیشخوان ناهار» را در نظر می‌گیریم که در نشویل در ایالت تنسی، به عنوان بخشی از جنبش حقوق مدنی ایالات متحده در اوایل سال ۱۹۶۰ برگزار شد. در این زمان پیشخوان‌های ناهار، خدمات غذایی را به مشتریان فروشگاه‌های بزرگ ارائه می‌کردند. در جنوب آمریکا، فروشگاه‌ها جداسازی نژادی انجام می‌دادند. سیاه‌پوستان آمریکایی مجاز بودند از فروشگاه‌های بزرگ خرید کنند، اما آن‌ها اجازه نداشتند در پیشخوان‌های ناهار، غذا بخورند و رستوران فقط مخصوص مشتریان سفیدپوست بود.

تحت رهبری جیمز لوسون، متخصص تاکتیک مقاومت، دانش‌آموزان نشویل طرحی را برای براندازی جداسازی نژادی از طریق یک رویکرد تاکتیکی هدفمند توسعه دادند.

آن‌ها تصمیم گرفتند که در پیشخوان ناهار تحصن کنند؛ درخواست خدمت کنند و حتی در صورت رد خدمت، در صندلی‌های خودشان بمانند. آن‌ها می‌دانستند که انجام این کار خطرناک است. افرادی با ایدئولوژی‌های نژادپرستانه در مناصب سیاسی، نیروی پلیس و در میان صاحبان مشاغل شهر قدرت داشتند. آن‌ها انتظار داشتند که تحصن‌هایشان با آزار لفظی - و شاید حتی فیزیکی - مواجه شود. اما بدون آمادگی وارد این تحصن‌ها نشدند.

جنبش دانشجویی نشویل، شروع به برگزاری جلسات آموزشی همه‌جانبه کرد. در این کارگاه‌ها بعضی از شرکت‌کننده‌ها نقش فعالان آینده در حال تحصن را بازی می‌کردند، در حالی که برخی دیگر از آن‌ها به عنوان کارمندان فروشگاه و مشتریان خشمگین سفیدپوست ایفای نقش می‌کردند. کسانی که تحصن می‌کردند به سمت صندلی‌هایشان می‌رفتند و دیگریانی که نقش اپوزیسیون فعال را بازی می‌کردند (ناظران نژادپرست) بر سر آن‌ها فریاد می‌زدند، از توهین و فحاشی استفاده می‌کردند و تهدیدهای فیزیکی را هم تقلید می‌کردند. این یک تجربه چالش‌برانگیز بود. رهبران متوجه شدند که برخی از شرکت‌کننده‌ها نمی‌توانند موقع تمرین تحصن، نظم و انضباط را حفظ کنند. به کسانی که در آن بهتر نشدند، نقش‌های دیگری برای ایفای در طول رویداد واقعی دادند. مثلاً، بعضی‌ها آماده بودند تا با همکاران خودشان ارتباط برقرار کنند که با آمبولانس تماس بگیرند یا پس از دستگیری، اقدامات ابتکاری برای تودیع وثیقه را بر عهده بگیرند. به این ترتیب، همه همچنان می‌توانستند بدون تهدید هدف این اقدام، در رویداد شرکت کنند.

برای کسانی که به تحصن‌های واقعی ادامه دادند، آموزش همه‌جانبه، به تقویت ذهن آن‌ها کمک کرد تا بتوانند در برابر سختی‌های عاطفی، روانی، و فیزیکی که با آن مواجه می‌شوند، مقاومت کنند. با برگزاری آموزش‌های همه‌جانبه، همه شرکت‌کنندگان توانستند قبل از رفتن به دنیای واقعی، در محیطی امن آماده شوند.

نقش‌بازی کردن، یک ابزار قدرتمند است. آموزش همه‌جانبه به فعالان و مخالفان، این امکان را می‌دهد تا هر گونه چالش آتی را که موقع انجام یک اقدام مقاومتی با آن مواجه خواهند شد، بهتر درک کنند.

## درس شش: پیمایش در فضای دیجیتال

### پیمایش اطلاعات آنلاین

تبلیغات یا پروپاگاندا، اطلاعات گمراه‌کننده (Disinformation) و اطلاعات نادرست (Misinformation) همگی مربوط به دستکاری اطلاعات هستند، اما در نیت و روش، با هم تفاوت دارند. تبلیغات شامل استفاده انتخابی از اطلاعات برای دستیابی به اثرات سیاسی است. اطلاعات گمراه‌کننده، ایجاد و انتشار عمدی اطلاعات غلط با هدف گمراه‌کردن دیگران است. این شامل تحریف عمدی حقایق، حذف آن‌ها از زمینه یا آمیختن آن‌ها با دروغ‌ها برای دستکاری افکار عمومی است. از سوی دیگر اطلاعات نادرست به انتشار اطلاعات نادرست و غیردقیق، اغلب ناخواسته و بدون قصد خاصی برای فریب اشاره دارد. رژیم جمهوری اسلامی از اطلاعات نادرست به عنوان ابزاری برای تبلیغات در برنامه‌های بزرگ‌تر برای حفظ قدرت و تضعیف تاثیرات فعالان و مخالفان سیاسی استفاده می‌کند. زمانی که ما به عنوان بخشی از تلاش‌های تبلیغاتی آن‌ها در معرض اطلاعات نادرست مورد حمایت دولت قرار می‌گیریم، به‌راحتی می‌توانیم گمراه شویم و همین پیام‌های تبلیغاتی را به عنوان اطلاعات نادرست منتشر کنیم. ما باید در تلاش برای مقاومت در برابر ظلم سعی کنیم که توسط مبارزات اطلاع‌رسانی آن‌ها گمراه نشویم، بلکه باید حقیقت را بزرگ کنیم. این به مبارزه ما کمک می‌کند تا حتی موثرتر هم باشد. اما چطور می‌توانیم این کار را انجام دهیم؟ برای این منظور در ادامه به وجود قانون‌هایی برای رسیدن به این هدف

اشاره می‌کنیم:

### قانون نخست: دقت به منابع اخبار و اطلاعات

اولین قانون برای پیمایش مسئولانه اطلاعات این است که آگاه باشید و بررسی کنید که اخبار خود را از کجا دریافت می‌کنید. جمهوری اسلامی از زمان تاسیس در سال ۱۳۵۸ تلاش کرده است تا از طریق رسانه‌های دولتی مثل صدا و سیما، افکار عمومی را تحت کنترل درآورد و به عنوان ابزاری برای کنترل روایت‌ها و سرکوب اطلاعات عمل کند. در دو ماه آغازین اعتراضاتی که از شهریور ۱۴۰۱ در ایران آغاز شد، رسانه‌های رسمی جمهوری اسلامی و برخی وابستگان مستقیم و غیرمستقیم حکومت در خارج از ایران، اعتراضات عظیم کنونی در مناطق حاشیه‌ای را به دروغ «تجزیه‌طلبانه» نشان دادند و هدفشان بی‌اعتبار کردن و تفرقه‌انداختن میان معترضان و توجیه سرکوب خشونت‌آمیز بود. حساب‌های جعلی تحت حمایت حکومت، ویدئوهایی ساختگی را منتشر کردند که گروه‌های مسلح کرد را در میان معترضان نشان می‌داد. در واقع این‌ها نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بودند که لباس پیشمرگه بر تن داشتند. نیروهای امنیتی با تظاهر به معترض بودن، مردم محلی را در شهرهای کردستان هم مورد آزار و اذیت قرار دادند و برای توجیه پاسخ وحشیانه رژیم، تصویر خشونت‌آمیزی - از کردها - را ایجاد کردند. این تلاش آشکار رژیم برای تضعیف وحدت و همبستگی میان معترضان و مردم ایران بود. با محدود کردن اخبار خود به منابع معتبر و خوش‌نام، می‌توانید از فریب خوردن از سوی تبلیغات هیجان‌انگیز با هدف از کار انداختن معترضان جلوگیری کنید.

### قانون دوم: پرهیز از ترول‌ها و فعالان قلابی

قانون دوم، پرهیز از ترول‌ها و فعالان قلابی است. جمهوری اسلامی هم مانند روسیه، ارتش ترول‌های خود را دارد. حکومت ایران ترول‌های خود را در جریان جنبش انقلابی ۱۴۰۱ در ایران فعال کرد و منتقدان رژیم را هدف قرار داد؛ اطلاعات نادرست منتشر می‌کرد و معترضان را ارباب می‌کرد. تخمین‌ها در مورد تعداد ترول‌های ایرانی متفاوت است و از ۴ هزار تا ۲۰ هزار نفر متغیر است. این مشکل حتی بزرگ‌تر شده است، زیرا مزارع ترول‌های روسیه اخیراً به کمپین علیه مبارزات آزادی پیوستن و حالا برای حمایت از تلاش‌های رژیم

ایران برای پایان دادن به اعتراضات تلاش می‌کنند.

ترول‌ها قصد دارند سردرگمی و اطلاعات نادرست را منتشر کنند. این را در نظر بگیرید که هدف آن‌ها حرکت دادن جامعه در جهت مخالف شما در طیف متحدان هست. اگر هدف شما این است که متحدان غیرفعال را فعال کنید، هدف آن‌ها این است که متحدان فعال را منفعل کنند. تروال‌ها در فضاهای رسانه‌های اجتماعی فعال هستند، نظرات خود را با اطلاعات نادرست می‌گذارند و بحث‌هایی را با هدف از بین بردن جنبش در جامعه آغاز می‌کنند.

فعالان قلبایی مثل تروال‌ها هم به ماشین تبلیغاتی کمک می‌کنند. آن‌ها ضمن تظاهر به همراهی با بخشی از جنبش، پیام‌هایی را در تضاد با اهداف معترضان پخش می‌کنند تا عموم مردم از حمایت و همبستگی خودشان با جنبش کم کنند. مشاخره با تروال‌ها باعث جلب نظر مردم نمی‌شود. تلاش خود را بر اقدامات استراتژیک معنادار متمرکز کنید. مراقب باشید که فعالان جعلی که به طور مخفیانه علیه شما کار می‌کنند را در حلقه‌های رسانه‌های اجتماعی خود دنبال و تبلیغ نکنید.

اگر امروز در شبکه‌های اجتماعی نگاه کنید، مردم در مورد رژیم صحبت نمی‌کنند، آن‌ها در مورد فعالان صحبت می‌کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند که برخی از فعالان در تلاش برای از بین بردن وحدت کشور هستند. آن‌ها می‌گویند که هدفشان این است که ملت را بر اساس خطوط قومی تقسیم کنند.

ترول‌ها و فعالان قلبایی، سخنان و اقدامات فعالان را از متن خارج می‌کنند و علیه آن‌ها استفاده می‌کنند. نظرات بسیار قدیمی فعالان را پیدا می‌کنند و از آن‌ها برای تضعیف نفوذ فعالان و وادار کردن مردم به زیرسوال بردن اهداف خودشان استفاده می‌کنند. این امر جدیدی نیست. در طول جنگ سرد، کا.گ.ب (KGB)، سرویس اطلاعاتی شوروی، از اصطلاح «احمق‌های مفید» برای افرادی استفاده می‌کرد که ناآگاهانه تبلیغات و اطلاعات نادرست کا.گ.ب را پخش می‌کردند اما امروزه نسل جدیدی از مردم به فعالان جعلی و تروال‌ها اجازه می‌دهند تا برنده شوند؛ حرف‌هایشان را زیر سوال نمی‌برند و به انگیزه‌های آنان شک نمی‌کنند، در عوض آن‌ها به صدای کسانی گوش می‌دهند که تلاش می‌کنند آزادی را از مردم ایران دریغ کنند. آن‌ها برای رژیم مفیدند.

ما باید بپرسیم چرا در میانه همه چیزهایی که اتفاق می‌افتد روی نظرات قدیمی

سال‌ها پیش تمرکز می‌کنیم؟ مردم تغییر و رشد می‌کنند و ایده‌های قدیمی آن‌ها برای دیگر بی‌ربط است. اما رژیم از ایده‌های قدیمی‌شان استفاده می‌کند تا ما را مجبور به توقف در همکاری برای ساختن یک ایران بهتر کند. آن‌ها از این تاکتیک‌ها برای جذب افراد به سمت رژیم استفاده می‌کنند.

زمانی که داستانی در مورد فعالان منتشر می‌شود، باید از خود بپرسیم که: «چه کسی از این داستان سود می‌برد؟ این داستان چطور به یک ایران بهتر کمک می‌کند؟ آیا این داستان، افراد بیشتری را به جنبش جذب می‌کند یا آن‌ها را دور می‌کند؟ فکر می‌کنیم چه کسی این پیام را به اشتراک گذاشت است؟» زمانی که ما به طور انتقادی درباره این داستان‌ها فکر می‌کنیم، می‌توانیم تصمیم بگیریم که چگونه واکنش نشان دهیم. می‌توانیم روی ماموریت جنبش متمرکز بمانیم و با درگیری‌های درونی منحرف نشویم. مردم نظرات متفاوتی دارند. ما باید مایل باشیم که در یک ائتلاف با افرادی کار کنیم که در همه چیز با ما موافق نیستند. این درست است که جامعه آزاد و بازی که ما ایجاد می‌کنیم امکان عقاید متفاوت را فراهم می‌کند. در عوض اجازه دهید به دنبال نکاتی اساسی باشیم که در مورد آن‌ها توافق داریم، تفاوت‌های خودمان را بپذیریم و با هم کار کنیم. بایاید احمق‌های مفیدی نباشیم که آزادی را محدود می‌کنند.

## بخش اطلاعات آنلاین

به عنوان یک فعال، شما این قدرت را دارید که اهداف‌تان را از طریق استفاده موثر از اینترنت پیش ببرید. با استفاده از پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی و استراتژی‌های نوآورانه، می‌توانید حامیان خود را بسیج کنید، روایت‌ها را به چالش بکشید و تغییرات متحول‌کننده ایجاد کنید. حالا در این قسمت درباره چگونگی استفاده از اینترنت برای فعالیت، تمرکز بر انتشار حقیقت، مقابله با اطلاعات نادرست و غلبه بر چالش‌های اتصال بحث می‌کنیم.

پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی، مثل فیس‌بوک و اکس (توییتر)، فرصت‌های ارزشمندی را برای فعالانی چون خود شما فراهم می‌کنند تا با مخاطبان ملی و جهانی ارتباط برقرار کنید تا پیام شما را تقویت کنند. این کار را با ایجاد کمپین‌هایی با هشتمگ تاثیرگذار که با هدف شما همخوانی دارد، شروع کنید. این کمپین‌ها پتانسیل بسیج مردم، شکل‌دادن به گفتمان عمومی و جلب توجه رسانه‌ها را دارند. به یاد داشته باشید،

کمپین‌های دیجیتال موثر زمانی بهترین اثر را دارند که با فعالیت‌های میدانی هم‌پوشانی داشته باشند تا تاثیر و تعامل در دنیای واقعی را تضمین کنند. بدون جفت‌شدن این کمپین‌ها با فعالیت آفلاین، آن‌ها می‌توانند نتیجه معکوس داشته باشند و افراد را کم‌تر درگیر کنند. مطالعات نشان داده‌اند که کمپین‌های دیجیتال می‌توانند به مردم احساس مشارکت کامل را - بدون پیگیری عملی - دهند.

رژیم‌های سرکوبگر با اطلاعات نادرست و تبلیغات رشد می‌کنند، اما به عنوان یک فعال، می‌توانید دروغ‌های آن‌ها را افشا کنید و حقیقت را آشکار. یکی از وظایف شما ایجاد محیطی از حقیقت است. این محیط، کار را برای استفاده موثر رژیم از تاکتیک‌های معمول دروغ‌گویی و دستکاری‌اش سخت‌تر می‌کند.

از قدرت تکذیب‌کردن لذت ببرید که شامل پاسخ‌دادن به ادعاهای نادرست با ارائه شواهدی است که حقیقت را آشکار می‌کنند. زمانی که رژیم تلاش می‌کند تا شخصیت شما را به شکل نادرستی توصیف کند، با نشان‌دادن اهداف واقعی خود برای یک جامعه عادلانه و منصفانه، روایت آن‌ها را بی‌اعتبار کنید. اگر دولت بگوید که جنبش کنونی یک جنبش جدایی‌طلب است، تکذیب آن یعنی ارائه شواهدی که اهداف واقعی جنبش را نشان می‌دهد. اگر آن‌ها بگویند جنبش خواهان خشونت و بی‌نظمی است، تکذیب آن یعنی نشان دهیم که جنبش خواهان نظم عادلانه جدیدی است. فراموش نکنید که تضعیف تبلیغات آن‌ها، راهی موثر برای تضعیف اعتبار آن‌هاست.

با این حال، تکذیب‌کردن به‌تنهایی ممکن است کافی نباشد. یک رویکرد پیشگیرانه به نام پروبوکینگ<sup>۱</sup> - به معنی تکذیب، پیش از مطرح‌شدن - را اتخاذ کنید که شامل واکنش‌کردن افراد در برابر تبلیغات است؛ از طریق قراردادن آن‌ها در برابر دوزهای ضعیف اطلاعات نادرست و نشان‌دادن تاکتیک‌های دستکاری اطلاعات که رژیم از آن‌ها استفاده می‌کند.

فیلم‌های آموزشی بسازید که تکنیک‌های دستکاری اطلاعات، مثل زبان احساسی و دوگانه‌های نادرست را نشان دهد و ارزیابی انتقادی و استدلال‌های متقابل را تشویق کند. با افزایش آگاهی و توانمندسازی دیگران برای تشخیص دستکاری اطلاعاتی، به یک

---

1. prebunking.



چشم‌انداز پیام‌رسانی که ریش در حقیقت دارد، کمک می‌کند. زمانی که به این فکر می‌کنیم که چگونه از اینترنت برای انتشار پیام‌مان استفاده می‌کنیم، مهم است که این واقعیت را در نظر بگیریم که اینترنت همیشه در دسترس نیست. قطع و اختلال اینترنت در ایران، تلاش‌های عمدی برای سرکوب مخالفان و پنهان کردن اقدامات حکومت علیه فعالان است. رژیم حتی شبکه ملی اطلاعات را به عنوان یک زیرساخت اینترنتی متمرکز، برای محدود کردن اتصال به اینترنت و نظارت بر محتوا توسعه داده است. مهم است که درباره نحوه ساخت شبکه‌هایی که در غیاب اینترنت به کار خود ادامه دهند، فکر کنیم.

می‌توان از تجربیات فعالان مناطق دیگر الهام گرفت. برای مثال، جنبش حمایت از پشتون‌ها در پاکستان، با موفقیت ارتباطات اینترنتی را با توزیع فیزیکی پیام‌ها از طریق پوستر، جزوه و حتی بلندگو تکمیل کرد. آن‌ها با ایجاد تنوع در کانال‌های ارتباطی خودشان، توانستند به افرادی که به اینترنت دسترسی نداشتند، دسترسی پیدا کنند و حتی در زمان قطع اینترنت به گسترش ایده‌ها و برنامه‌های خود ادامه دهند.

در هنگ کنگ، معترضان راه‌های خلاقانه‌ای برای به اشتراک گذاری اطلاعات، موقع قطع اینترنت پیدا کردند. فعالان با استفاده از ویژگی ایرپلی (AirPlay) در آیفون‌ها - که امکان به اشتراک گذاری ناشناس فایل از طریق سیگنال‌های Wi-Fi محلی را فراهم می‌کند - برنامه‌های رویداد اعتراضی را از طریق پوستر منتشر کردند. این استفاده خلاقانه از فناوری دیجیتال، نیاز به دسترسی به اینترنت را دور زد؛ در حالی که هنوز از زیرساخت اینترنت استفاده می‌کرد و تداوم جریان اطلاعات را در جنبش تضمین کرد.

شرایط در پاکستان و هنگ کنگ بسیار متفاوت است و راه‌حلهایی که آن‌ها پیدا کرده‌اند، ممکن است برای شما مفید نباشند، حتی ممکن است مضر هم باشند. اما مثال‌های آن‌ها نشان می‌دهد که ما می‌توانیم راه‌حل‌های خلاقانه متناسب با شرایط خود را پیدا کنیم تا در غیاب اینترنت آماده عمل باشیم.

زمانی را برای ایجاد برنامه‌ای برای کارهایی اختصاص دهید که در صورت قطع اینترنت قرار است انجام دهید. حین دسترسی به اینترنت، محتوای آموزشی‌تان را جمع‌آوری کنید. اگر ویدیوها، فایل‌های PDF یا منابع دیگری وجود دارد، آن‌ها را دانلود کنید و به طور امن به صورت آفلاین ذخیره کنید. به جامعه کنشگران خود فکر کنید. در مواقعی که اینترنت

کار نمی‌کند، چه روش‌های ارتباطی، برنامه‌ریزی و یادگیری را می‌توانید در نظر بگیرید؟ چطور می‌توانید محله به محله را برای انتشار اخبار مهم سازمان‌دهی کنید؟ داشتن یک سیستم از قبل می‌تواند به شما در زمانی که واقعا به آن نیاز دارید، کمک کند.

### حفاظت از اطلاعات به صورت آنلاین

حفاظت از اطلاعات‌تان به صورت آنلاین، برای ایمنی و امنیت شما بسیار مهم است، به‌ویژه در عصر استفاده از تلفن‌های هوشمند و اینترنت.

دو جنبه وجود دارد که باید در نظر بگیرید: یکی پلتفرم‌ها و خدماتی که از آن‌ها استفاده می‌کنید و دیگری رفتار آنلاین شما. این عوامل با هم داده‌هایی تولید می‌کنند که می‌تواند توسط دولت جمع‌آوری، ارزیابی و به‌طور بالقوه علیه شما استفاده شود. مهم است که امکان ردیابی داده‌های خود را کاهش دهید و بر اطلاعاتی که به صورت آنلاین تولید می‌کنید، کنترل داشته باشید.

زمانی که داده‌ها را در سراسر اینترنت منتشر کردید دیگر نمی‌توانید آن‌ها را کنترل کنید، بنابراین باید در مورد محافظت از هویت خود کوشا باشید. اطلاعات شخصی، از جمله آدرس شما توسط متخصصان آموزش‌دیده به‌راحتی قابل کشف است. استفاده از فیلترشکن یا وی‌پی‌ان می‌تواند به محافظت از آدرس IP شما کمک کند، اما انتخاب فیلترشکن‌های امن و منبع‌باز (Open-source) برای شما ضروری است. هر فیلترشکن موجود در فروشگاه‌های برنامه یا اپلیکیشن (مانند Google Play یا Apple store) لزوماً محافظت کافی را ارائه نمی‌دهد. ضمناً از استفاده از هر گونه وی‌پی‌ان مرتبط با رژیم خودداری کنید. وی‌پی‌ان‌های Lantern و Hotspot Shield گزینه‌های معتبری هستند که باید در نظر بگیرید.

در زمان پست‌گذاشتن در شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام، بسیار مهم است که به اطلاعاتی که به اشتراک می‌گذارید، توجه داشته باشید. تصاویر ممکن است حاوی ابر داده (Meta-date) باشند که مکان شما را نشان دهند یا خود تصاویر ممکن است حاوی اطلاعات قابل‌شناسایی باشند. تابلوهای خیابان، ساختمان‌های معروف، سبک‌های معماری و ویژگی‌های جغرافیایی، همگی می‌توانند برای شناسایی و تعیین موقعیت عمومی شما استفاده شوند. فراموش نکنید که همواره مهم است که خدمات مکانی را در هر پلتفرم و

برنامه‌ای که برای به‌اشتراک‌گذاری تصاویر و ویدیوها استفاده می‌کنید، خاموش کنید. این به حفظ امنیت شما کمک می‌کند. آیا در نظر می‌گیرید که وقتی عکس می‌گیرید، چطور می‌توانید چهره‌ها را بپوشانید، از لباس مبدل استفاده کنید یا از زوایایی عکس بگیرید که حریم خصوصی و امنیت افراد را حفظ کنید؟

فعالان بر کلماتی که می‌گویند و تایپ می‌کنند، کنترل دارند و مدیریت و محافظت از آن اطلاعات مهم است. درک توانایی‌ها و روش‌های مورد استفاده توسط نیروی انتظامی و صاحبان قدرت، بسیار مهم است. پلتفرم‌هایی مثل گوگل، توئیتر، اینستاگرام و فیس‌بوک دارای سیستم‌های درخواست خاص برای نیروهای انتظامی هستند. حتی اگر ارتباطی مثل واتس‌آپ دارای رمزگذاری باشد، ابر داده‌ها در مورد استفاده شما از آن کماکان ممکن است با درخواست نیروهای امنیتی قابل دسترسی باشد. درخواست دولت می‌تواند فهرستی از تمام تماس‌های شما و تعداد دفعات و زمان برقراری ارتباط را در اختیار نیروهای امنیتی قرار دهد. سختگیری در انتخاب پلتفرم‌هایی که استفاده می‌کنید، اولین خط دفاعی شماست.

سیگنال (Signal) برنامه‌ای است که ابر داده‌های ارتباطی شما را وارد و ذخیره نمی‌کند و تضمین می‌کند که هرگز نمی‌شود آن را با حکومت به اشتراک گذاشت. برای کاربران تلگرام، استفاده از ویژگی چت مخفی (Secret Chat) می‌تواند به محافظت از محتویات ارتباطات شما کمک کند. برخی از برنامه‌ها حتی ویژگی‌هایی را ارائه می‌دهند که پیام‌ها را پس از مدت زمان مشخصی ناپدید می‌کنند، که به‌ویژه هنگام انتقال اطلاعات بسیار حساس مفید است.

موقع استفاده از ایمیل، بسیار مهم است که از نظارت بالقوه حکومت یا تلاش‌های فیشینگ آگاه باشید. جمهوری اسلامی از حساب‌های ایمیل جعلی برای جمع‌آوری اطلاعات و هویت فعالان استفاده می‌کند. بازکردن لینک پیوست‌ها می‌تواند نرم‌افزار جاسوسی را روی سیستم‌های شما نصب کند و رفتار و ارتباطات شما را زیر نظر بگیرد. لینک‌های موجود در ایمیل‌ها ممکن است شما را به صفحات فریبنده‌ای که برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌شوند، هدایت کنند.

در زمان دانلود به‌روزرسانی‌های نرم‌افزارها، احتیاط کنید و قبل از نصب، صحت آن‌ها را بررسی کنید. به‌روزرسانی‌های نرم‌افزارها را تنها در صورتی نصب کنید که نسخه رسمی

از سازنده نرم‌افزار وجود داشته باشد. حتی اگر لینکی توسط شخصی که می‌شناسید برای شما ارسال شده باشد، به این معنی نیست که آن لینک امن است. قبل از کلیک روی آن، مطمئن شوید که لینک رسمی است.

ممکن است به نظر برسد ایمیل‌های مخفی از طرف شخصی باشند که می‌شناسید، اما توسط ماموران دولتی ارسال شده باشند. مراقب اطلاعاتی که از طریق ایمیل به اشتراک می‌گذارید باشید و همیشه هویت فرستنده را تایید کنید.

زمان ارسال ایمیل به افراد مورد اعتماد در حلقه خودتان، باید ایمیل‌هایتان را برای محافظت بیش‌تر رمزگذاری کنید. استفاده از رمزهای عبور قوی و تغییر منظم آن‌ها به کاهش احتمال هک‌شدن کمک می‌کند؛ رمزهای عبور طولانی که از انواع کاراکترها و موارد مختلف استفاده می‌کنند و زمان هک‌کردن حساب شما را به طور تصاعدی افزایش می‌دهند.

فعال کردن قابلیت احراز هویت دومرحله‌ای یک لایه حفاظتی اضافی را فراهم می‌کند، اما استفاده از پیامک (SMS) برای کدهای احراز هویت در ایران امن نیستند. حکومت می‌تواند پیامک‌ها را رهگیری کند، بنابراین شما کلید ورود به حساب خودتان را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهید. در عوض، از یک برنامه احراز هویت مانند Google Authenticator استفاده کنید. علاوه بر این برای تمام ارتباطات مرتبط با فعالیت خودتان، از سرویس ایمیل ProtonMail استفاده کنید؛ یک سرویس ایمیل قابل اعتماد که به دلیل امنیت بالایش شناخته شده است.

با اولویت‌دادن به امنیت اطلاعات خود و پیروی از این دستورالعمل‌ها، می‌توانید امنیت آنلاین‌تان را افزایش دهید و از حریم خصوصی خود در محیطی که نظارت حکومتی و دولتی و تهدیدات سایبری رایج است، محافظت کنید.

همواره به این مسائل اهمیت می‌دهید که چطور اطلاعات خودتان را به صورت آنلاین مدیریت کرده‌اید؟ آیا محتاط یا آسیب‌پذیر بوده‌اند؟ آیا در نحوه به‌اشتراک‌گذاری عکس‌ها و ویدیوها، احتیاط می‌کنید؟ آیا خدمات موقعیت مکانی خودتان را خاموش نگه می‌دارید و فقط از وی.پی.ان‌های امن استفاده می‌کنید؟ چه کاری می‌توانید انجام بدهید تا در عین حال که هنوز یک فعال موثر هستید، امن‌تر باشید؟

پیمایش در فضای دیجیتال یک جنبه حیاتی از کنشگری است. توانایی تشخیص

تبلیغات و اطلاعات گمراه‌کننده برای جلوگیری از بازی خوردن توسط دستکاری اطلاعاتی بسیار مهم است. کنشگران با تکیه بر منابع خبری معتبر و هوشیاری در مورد گسترش فعالان جعلی و ترول‌ها می‌توانند یکپارچگی حرکت خودشان را حفظ کنند. علاوه بر این، استفاده از قدرت پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی و استراتژی‌های نوآورانه، ما را قادر به این می‌کند که پیام خود را پخش کنیم، روایت‌ها را به چالش بکشیم و تغییرات متحول‌کننده ایجاد کنیم. سازگاری و یافتن راه‌حل‌های خلاقانه برای غلبه بر چالش‌های اتصال به اینترنت و ادامه برقراری ارتباط حتی در غیاب دسترسی به اینترنت بسیار مهم است. حفاظت از اطلاعات شخصی آنلاین برای ایمنی و امنیت شما ضروری است که شامل استفاده از پلتفرم‌های ارتباطی امن، به‌اشتراک‌گذاری آگاهانه در رسانه‌های اجتماعی و اجرای اقدامات امنیتی قوی است.

با پیروی از این اصول است که می‌توانید فضای دیجیتال را به‌طور موثر بیمایید، هدف خود را پیش ببرید و جامعه‌ای عادلانه و منصفانه در ایران بسازید.

